

فدائیان اسیر، در معرض اعدام

جمهوری اسلامی در تدارک جنایات تازه ای است. این رژیم تبهکاریک باردیگر طرح کشتار گروهی از فداییان اسیر را ریخته است. این بار رفقا انوشیروان لطفی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی، سازمان و رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی و گروهی دیگر از کادرمای سازمان در معرض اعدام هستند. رژیم اگر چه کوشیده است اخبار مربوط به این توطئه جنایتکارانه منتشر نشود، اما با افشاکری های پیکنیر فدائیان خلق در اجرای این توطئه ناکام مانده است. مطبوعات پیشرو جهان افشاکری های فدائیان خلق را با زتاب داده و جهانیان را به کوشش برای نجات جان فدائیان اسیر فراخوانده اند. در ادامه انتشار اخباری در این زمینه، در این شماره چند خبر از هندوستان، آلمان فدرال و لوگزامبورگ منعکس می نماییم.



میخائیل گرباچف در مصاحبه با تایم:

اوضاع کنونی جهان انفجاری است

هفته گذشته، "تایم" پیر تیراژ ترین مجله آمریکایی، مصاحبه سر دبیر و مدیر مسئول خود را با میخائیل گرباچف، دبیر کل کمیته مرکزی، حزب کمونیست شوروی منتشر ساخت. این مصاحبه، نخستین مصاحبه رهبر حزب کمونیست شوروی با یک نشریه غربی است و در آن، به پرسشهایی پیرامون اوضاع کنونی جهان، روابط شوروی، آمریکا و اقتصاد شوروی، پاسخ داده شده است. نظر به اهمیت مصاحبه مزبور، فشرده آن را از نظر خوانندگان "اکثریت" می گذرانیم. میخائیل گرباچف در پاسخ پرسشی پیرامون روابط شوروی - آمریکا گفت: اگر این سوال را دو ماه پیش از من می کردید، می توانستم بگویم که وضع روابط ما تا حدی بهتر شده و امید بقیه در صفحه ۱۰

پنجمین سال جنگ:

بن بست در لجنزار

میچان شد. نباید سخن از عملیات آخرین، یا عملیات سرنوش سازه و یا پایان فوری جنگ ... به میان آورد." حذف شدن نسبی اصطلاح "هجوم نهایی" از واژگان جنگی مسئولین تراز اول جمهوری اسلامی تنها بر مکارتر شدن آنها دلالت داشت. حماقت آنها سر جای خود باقی مانده بود. آنها در واقع به زبان بی زبانی به بن بست در جنگ اعتراف داشتند. ولی میبایست بر این خطای می فشرده (و می فشارند) که بن بست در جنگ را از طریق تشدید جنگ باید درهم شکست. های و هوایی که در سال گذشته به مناسبت "هفته جنگ" به راه انداخته شد، زمینه ساز یک "ضربه عمیق نظامی" بر اساس استراتژی تازه بود. اما ضربه ای که در میمک بقیه در صفحه ۲

کرد. سال پنجم جنگ، سال بن بست در لجنزار بود. "یکی دوشربه عمیق نظامی!" ماضی رفسنپناهی در مصاحبه خود با خبرگزاری جمعیور، اسلامی به مناسبت "هفته جنگ" در سال گذشته، از "هجوم نهایی" سخنی به میان نیاورد. او که می خواست استراتژی رژیم در پنجمین سال جنگ را تبیین کند از اصطلاح "یکی دوشربه عمیق نظامی" استفاده کرد. (رجوع شود به روزنامه اطلاعات - اول مهر سال ۶۲) همان هنگام به رسانه های گروهی جمهوری اسلامی خبر داده شد که سال پنجم جنگ را سال "هجمه آخر" نامند. روزنامه اطلاعات ۲۴ شهریور ۶۲ در مقاله خود نوشت: "در جنگ به لحاظ تجربه و نیز تأمل نباید چهار

پنجمین سال جنگ همین روزها بر می آید و ششمین سال آغاز میشود، بی آنکه بتوان با روشنی از سر انجام این جنگ پوچ سخن گفت. سال پنجم جنگ همچنان سال بن بست بود. شکست عملیات "خیبر" و "الغیر" در سال چهارم سرانجام نشان داده بود که سرانجام جنگ، با پیروزی نظامی جمهوری اسلامی رقم زده نمی شود. در عملیات "خیبر" و "الغیر" تمامی قدرت رژیم رژیم فقط به میدان آمده بود و بی سرانجام از میدان رفت. اما فقط همچنان بر لیل جنگ کوبیدند و به آزمونهای تازه، رو آوردند. اما نتیجه چه شد؟ بن بست در جبهه ها تنها موضع جغرافیایی خود را تغییر داد. هجوم در لجنزارهای سنگین و هورالهیوز و هورالکظیم زوایا، بن بست را تنگ تر و تنگ تر

دانشگاه آزاد اسلامی، يك دكان تازه

پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد و کنکور سایر رشته های تحصیلی گروه های فنی و مهندسی، علوم انسانی، کشاورزی و علوم پایه روز ۱۵ شهریور از طرف مقامات این دانشگاه اعلام شده است که حدود ۱۹۰ هزار نفر برای شرکت در این کنکور ثبت نام کرده اند و در آغاز مهرماه سال ۱۳۶۴ در دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۵۰۰ دانشجو در رشته پزشکی، ۱۷۵۰۰ دانشجو در دیگر رشته ها، چهل هزار دانشجوی تکدرسی و ده هزار معلم آموزش و پرورش به تحصیل اشتغال خواهند داشت. گفتنی است که این دانشگاه بقیه در صفحه ۲

بن بست رژیم در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور، به ریشه در مامیت پوسیده و ارتجاعی تغیر و بینش بدوی رژیم خمینی و تضاد آن با دانش و فرهنگ و فرهیختگی دارد، بعنوان یکی از علل، عده ای از سردمداران رژیم را به عملی ساختن طرح مشعاعنه دانشگاه آزاد اسلامی واداشته است. گویی آن انبوه اقدامات مخرب و به سوی نابودی کشاندن آموزش عالی کشور کافی نبود که اینک در این عرصه دکان دیگری گشایش می یابد و کیسه دیگری دوخته می گردد و آزمایش جدیدی انجام می شود. در هشتم مرداد کنکور رشته

گزارش اعتصاب کارگران کارخانه فومنات

در اواخر تیر در کارخانه ریسندگی و بافندگی فومنات اعتصابی به وقوع پیوست که تا چندین روز ادامه یافت و به بروز درگیری های سختی میان کارگران و نفرات ارکان های سرکوب رژیم منجر گردید. ما فشرده خبر این اعتصاب را در شماره ۶۹ اکثریت در صفحه "از رویدادهای میهن" درج کرده بودیم. در این شماره گزارش مشروح این اعتصاب را می خوانید.

* * *

در کساکش میان جناحهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، این کارخانه نهیب باند سحتیه شده است. کارگران از مدیریت به شدت نفرت داشتند. سو رفتار و فساد آنها برای کارگران غیر قابل تحمل شده بود. در ماه تیر یکی از موارد اختلاس مدیریت افشا می شود. کارگران دریافته اند که مدیریت تعدادی خودرو بقیه در صفحه ۷

کارخانه فومنات در استان گیلان بین رشت و فومن قرار دارد و نزدیک به ۱۵۰۰ کارگر در آن به کار مشغولند. در این کارخانه نیز مانند دیگر کارخانجات کشور کارگران را به شدیدترین وجه ممکن مورد استثمار قرار داده و از ابتدای ترین حقوق خویش محروم ساخته اند. مدیریت این کارخانه در دست عده ای افراد فاسد و کارگر ستیز قرار دارد.

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!

بنفید از صفحه اول

پنجمین سال جنگ:

بن بست در لجنزار

برای آن که پیروزی قطعی ربه دنبال داشته باشید... ما می خواهیم ضربه خود را بزنیم. حال این ضربه را حساب شده بزنیم یا نه؟ گاهی هست که سنجیده ضربه زدن به تامل نیاز دارد."

در صحنه سیاست هم حسابگرایی جمهوری اسلامی درست از آب در نیامد. در این عرصه جمهوری اسلامی هدف خود را دمسازی بیشتر با امپریالیسم و ارتجاع منطقه قرار داد تا حمایت آنها را تماماً متوجه خود سازد و رژیم عراق را منزوی کرده و با کمک سلاحهای حاصل از این حمایت همه جانبه، مضمحل نماید. امپریالیسم تداوم جنگ را می خواست و نه پیروزی نظامی کامل جمهوری اسلامی را. سلاح تا آن حد که تداوم جنگ بی سرانجام میسر باشد! دست و پا زدن و التماس کردن های جمهوری اسلامی این سیاست امپریالیسم را تغییر نداد. جمهوری اسلامی در به دست آوردن دل ارتجاع منطقه نیز آنتونه که خود می خواست موفق نگشت. اما خوش آمدگویی آنها به جمهوری اسلامی فقط تا این حد فرا رفت که مثلا در قطعه نامه های پانزدهمین کنفرانس اسلامی در اواخر آذرماه سخنی از جنگ ایران و عراق به میان نیاید و وزیر خارجه عربستان، مسئولین جمهوری اسلامی را به دیدار خود، منتظر سازد.

از اواسط دی ماه شدت درگیری های نظامی بالا گرفت. درگر، بیجا عمدتاً به صورت حمله به کشتی ها در خلیج فارس بود و پاتک و پاتک های محدود در جبهه های زمینی، خاصه در جزیره محزون.

از اواسط بهمن ماه بوی شرم حمله به مناطق مسکونی به شام رسید. خانه های در نماز جمعه ۱۹ بهمن به عراق اولتیماتوم داد که شهرهای مرزی و بویژه بصره را مورد هجوم قرار خواهد داد. در پی این تهدید و چند حمله عراق به نواحی مسکونی، خاویز پرزد و کوئینار دبیر کل سازمان ملل از مقامات دو کشور خواست به تعهد ۸ ماهه پیش خود مبنی بر خودداری از حمله به شهرها و فدادار بمانند. این دعوت بی پاسخ ماند. تشنج بعد از یک دوره در جازدن به سرعت در حال رشد بود. در روز ۱۳ اسفند جنگ شهرها رسماً آغاز گشت.

متمرکز ساخت. تقریباً نه ماه بعد از توافقنامه ۸ ژوئن، شهرهای بی دفاع و مناطق مسکونی دو کشور مجدداً مورد هجوم طرفین قرار گرفتند، عده کثیری از مردم عادی، دو کشور به خاک و خون در غلتیدند و خانه های بسیاری در شهرها و روستاها ویران گشتند. خمینی و صدام مشترکاً جنایت بارترین فصل تاریخ جنگ را نگاشتند و بر سپاهه جنایات خود، رقمهای درشتی افزودند.

در سال پنجم جنگ، مناطق مسکونی در دو مرحله مورد هجوم قرار گرفتند. یک مرحله از ۱۳ اسفند ۶۲ آغاز شد و تا ۱۷ فروردین ۶۴ به طول انجامید. مرحله دوم ۴۵ روز بعد شروع شد. و به مدت ۲۵ روز ادامه یافت.

تا پیش از شروع مرحله اول جنگ شهرها جمهوری اسلامی علاوه بر این که در تدارک یک هجوم تازه در جبهه ها بود، در عرصه سیاسی نیز می کوشید نقطه ای برای وارد آوردن یک "ضربه عمیق" بیابد. توجه به عرصه سیاست که تقریباً تازگی داشت تنها نتیجه بی حاصل بودن جستجو و تلاش برای وارد آوردن ضربه در جبهه ها بود. خامنه ای این سرگشتگی را در مصاحبه با کیهان ۱۷ دی ۶۲ چنین توضیح داد: "باید دید که پیروزی چگونه به دست می آید. گاهی پیروزی با یک حمله برق آسا حاصل می شود و گاهی با شکل دیگری از حرکت حاصل می شود. آیا شما فکر نمی کنید آنچه که امروز می بینید رکود نیست، بلکه یک حرکت سنجیده و حساب شده است.

فرود آمد در واقع فقط ضربه ای، دیگر بر تن "ضربه عمیق" بود. هجوم گسترده در میمک بی سرانجام ماند و نشان داد جنگ در جبهه ها به مراتب بیش از دوران هجوم های بی سرانجام و انفجر ۶۵، دچار تنگنا شده است. اما برای رهبران خون آشام جمهوری اسلامی خیل کشته ها، به جا مانده از هجوم میمک بی اهمیت بود. فقها در اتاقهای فرماندهی ارتش و سپاه، نقشه جبهه ها را بازبینی می کردند تا نقطه دیگری را برای وارد آوردن "ضربه عمیق" بیابند.

تا زمان یافتن این نقطه در باتلاقهای مورالهیزه و مورالعیلم، کار فقهای جنگجو تهدید کردن و خط و نشان کشیدن بود. در دی ماه به دنبال یک موج دیگر از تشنج در خلیج فارس، رهبران رژیم در راستای آن چیزی که برای امپریالیسم آمریکا "استراتژی گسترش افقی تشنج" نام دارد، مجدداً به فکر بستن تنگه هرمز افتادند. رفتن جانی در آن همتام در سمینار فرماندهان نیروی زمینی چنین گفت: "جنگ هستی ماست ما واقعا تنگه هرمز را می بندیم و دنیا را در بحرانی می اندازیم که بیرون آمدن از آن محال باشد."

در جستجوی آماج

در همان حال که جمهوری اسلامی در جستجوی نقطه ای برای بر آوردن "ضربه عمیق" بود، صدام حسین نیز دنبال این نقطه می گشت. او زودتر از جمهوری اسلامی نقطه وارد آوردن ضربه را یافت. چشم خون بارش را به مناطق مسکونی دوخت و با علم به برتری شمار هواییهای جنگنده اش نیروی خود را روی حملات هوایی

دور اول جنگ شهرها

روز دوشنبه ۱۳ اسفند هواییهای عراقی به نیروگاه اتمی بوشهر و کارخانه لوله سازی اهواز حمله کردند. روز بعد جمهوری اسلامی بصره را به مدت سه ساعت زیر آتش قرار داد. بدینسان مسابقه دور رژیم در کشتار از مردم بی دفاع آغاز شد و هر دو طرف نشان دادند که در جنایت پیشگی و خون آشامی دست کمی از یکدیگر ندارند.

جنگ شهرها بلافاصله بعد از شروع، ابعاد وسیعی یافت. عراق در روز ۱۵ اسفند سی شهر ایران را در لیست سیاه حمله قرار داد و جمهوری اسلامی نیز به تویخانه خود فرمان آتش بی وقفه داد. خامنه ای در نماز جمعه ۱۷ اسفند تهران اعلام کرد: "ما نه تنها توانایی زدن شهرهای مرزی را داریم، بلکه می توانیم هدفهای مهمتر از بصره و مندلی را نیز بزنیم." وی همچنین گفت: "تاکنون هر ضربه ای که عراق وارد کرده، ایران نیز متقابلاً ضربه ای وارد کرده است."

در روز ۱۸ اسفند، ستاد مشترک



ارتش جمهوری اسلامی بیانیه ای صادر کرد و اعلام نمود که همه شهرهای عراق به جز چهار شهر مذهبی کربلا، نجف، سامرا و کائین مورد حمله قرار خواهند گرفت.

دو طرف تا آنجایی که برایشان مقدور بود، تهدیدات خود را عملی ساختند. آتش جنگ به حدی بالا گرفت که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، آتشی شده و ۱۵۰ نفر از آنها به خمینی نامه نوشتند و از او خواستند فرمان حمله نهایی را صادر کند. کشتاری که در جریان بود، از نظر این جنایتکاران کافی نبود. دامنه کشتار تا سطح بسیاری از شهرهای جنوبی، غربی و مرکزی کشور کشیده شد و از تهران نیز آتسو تر رفت. عید مردم عزا شد و نوروز در جامه سیاه در خانه ها را کوبید. ادامه دارد.



در پایان پنجمین سال جنگ، رژیم خمینی به گسترش باز هم بیشتر کورستانها می اندیشد

جنگ بامیهن ما چه می کند؟

با میهن ما چه کرده اند که هر ساله و همین اسامال تنها دویست هزار کودک بعثت نبود امکانات بهداشتی جان می دهند و بریر می شوند؟ چه کرده اند که یک خشکسالی چنان درمان ناپذیر بنظر می آید که در همین اسامال هزاران دهقان سیستمی در جستجوی معاش بناگزیب زاد وبوم خود را ترک کرده و آواره شده اند؟ با میهن ما چه می کنند که چرخ کارخانه های یک بیگ از گردش باز می ماند و کارگران به خیل بیکاران می پیوندند؟ چه می کنند که کشتزارها می خشکند، روستاها ویرانه می شوند و کشتگران خود را در کنار کارگران بیکار می یابند؟

از جمله آنچه که در عصر سپاه ستشاهی کرده بودند، این بود که دهها درصد ما میباید سرمایه حاصل از رنج جانگناه زحمتکشای وطن را ربودند. با انقلاب بسیاری از آنان، ربوده ها را با خود بردند. بی وطن ها، سرمایه ها را که می بایست صرف بنای ایرانی آباد گردد به سرزمین اربابانشان منتقل ساختند، و با آن به

عیش وعشرت نشسته اند. اینک بر تخت حکومت خمینی لیده است، با کارنامه ای خونین و سیاه. در سلوچه جنایات او جنگ جای دارد که ضایعات و خسارات آن بیرون از شمار است. هزینه ها و خسارات مادی، حاصل از خون آشامی و جنگ طلبی او به رقم نجومی ۲۰/۰۰۰ میلیارد ریال بالغ می شود. از این میان برآورد ویرانی های حاصل از جنگ تا ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود.

خمینی می رود. مرگ این رژیم فرتوت نیز محقوم است. اما اندر مرگ هزاران جوان می ماند، معارلین می مانند و ویرانه ها نیز باقی خواهند ماند. در ایران فردا همه ویرانه ها باید بازسازی شوند و خواهند شد، اما به قیمت فداکاریهای بزرگ.

پرسیدنی است که با سرمایه ای که صرف جنگ شد و بیاید صرف ترمیم ویرانی ها بشود، چه ما که نمی شد کرد؟ این سرمایه چنان هنگفت و نجومی است که به سادگی به ادواک انسانی

نمی نشیند. ارقام ریاضی گویای، مقسود نیستند. برای درک این معنا، مضمون این فاجعه، باید آخرا به زیار، ساده تر، بیان داشت. در زیر این ارقام را با واحد برخی از نیازها و مزروعات مردم بیان می کنیم.

اگر مدرسه ساخته می شد!

اگر هزینه ساختمان هر مدرسه مدرن و مجهز ۱۰۰ میلیون ریال، با نور متوسط محاسبه شود، با صرف مبلغ هزینه ها و خسارات جنگی امکان احداث، بیش از ۳۰۰/۰۰۰ مدرسه فراهم بود. گنجایش متوسط هر مدرسه را اگر ۴۰۰ دانش آموز فرض کنیم، این تعداد مدرسه، میتوانست، ۱۲۰ میلیون دانش آموز را در خود جای دهد. تازه بنا به آمار رسمی بانک مرکزی در سال (۱۳۶۱)، هزینه ساختمان هر مدرسه بمراتب کمتر از رقم فرض شده در قیاس ماست. طبیعی است که ایران احتیاجی به این تعداد مدرسه ندارد، چرا که این تعداد مدرسه، میتواند بخش بزرگی از منطقه را نیز بپوشاند.

اگر بیمارستان و درمانگاه احداث می شد!

اگر هزینه متوسط احداث یک بیمارستان را بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون ریال تخمین بزنیم (بمراتب بیش از آنچه که در آمار بانک مرکزی ذکر شده است) آنگاه با این رقم سرسام آور می شد و کاملا عملی بود که قریب به ۴۵ هزار بیمارستان و درمانگاه احداث گردد. که در آن صورت برای هر ۸۰۰ نفر ایرانی یک بیمارستان و یا درمانگاه می توانست ساخته شود. باز هم بدیهی است که ایران نیاز به اینهمه بیمارستان و درمانگاه ندارد.

اگر خانه ساخته می شد!

با این رقم کلان به سادگی میشد، برای همه ملت ایران خانه ساخت. همه بی سرپناهان را صاحب خانه کرد و به همه صاحب خانه ها، خانه تازه ای داد. تمام کیرها و حلقی آبادها و آلاچیق ها را برچید. حتی اگر هیچ خانه ای در کشور وجود نداشت، با این پول هر خانواده ایرانی می توانست خانه ای با هزینه بیش از سه میلیون ریال بنا کند.

دانشگاه آزاد اسلامی، یک دکان تازه

بقیه از صفحه اول

آزاد اسلامی که چنین آماری نجومی، فراتر از مجموع ظرفیت پذیرش تمام دانشگاه های کشور در هر کدام از رشته ها ارائه می دهد همان معجزونی است که بنا بر "تز" ایجاد دانشگاه بر اساس سنت ها و ضوابط "حوزه های علمیه"، با شعار گریز از مدرک گرایی و عدم ضرورت وجود محدودیت های سنی و شغلی ایجاد گشت و اعلام شد از امکانات آموزشی و آزمایشگاهی برکنده موجود استفاده خواهد کرد.

اما آتش دست پخت "حوزه" آنقدر شور بود که دست اندرکاران فجاجیح قبلی آموزشی نیز صدای اعتراضشان بلند شد. معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی در پاسخ یک خبرنگار در مورد اینکه مدرک دانشگاه آزاد اسلامی مورد تایید این وزارتخانه هست یا نه - البته با ملاحظه پشتوانه قوی حریف - می گوید:

"... باید توجه کرد که موسساتی، احتمالا قادرند مدرک بگیرند که تمامی ضوابط را از نظر نحوه تدریس، محتوای آموزشی، نسبت تعداد استاد به دانشجو، داشتن

علاقتمندان به این رشته می شود و سطح دانش پزشکی را هم پایین می آورد. یا باید از امکانات موجود مملکت که مربوط به دانشکده های پزشکی است استفاده کند که خود آن ها کمبود دارند و باز جای دیگر امکانات لازم را تامین کند که برایش مقدور نیست... از ابتدای این دانشگاه هم اعلام شده بود که مدرک نمی دهند و دخالت در امر پزشکی بدون پروانه جرم است. آنهایی که می خواهند در آنجا شرکت کنند بداند."

رییس دانشگاه مزبور، دکتر جاسبی با بررویی در پاسخ به سوال در مورد نگرانی و بدبینی عده ای از داوطلبان در مورد آینده فارغ التحصیلان این دانشگاه چنین پاسخ می دهد:

"آیین نامه موسسات آموزش عالی غیردولتی در شورای عالی

امکانات لازم آموزشی و وسایل کمک آموزشی و امکانات رفاهی و سایر مسایل را در حد معیارهای قابل قبول داشته باشند و با توجه به رشد سریع دانشگاه آزاد اسلامی، متاسفانه در هیچ کدام از رشته ها فکر نمی کنم حداقل ضوابط رعایت شده باشد. بنابراین در این مطلب باید دقت کرد که مردم بیخود دلخوش و امیدوار نباشند."

(اطلاعات ۱۷ مرداد)
مخبر کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس و رئیس سازمان نظام پزشکی رژیم در نطق پیش از دستور مجلس روز ۲۷ تیرماه می گوید:

این دانشگاه (دانشگاه آزاد اسلامی) امکانات تربیت دانشجوی پزشکی را ندارد و موجب اغوای

وقتی حوزه با کمک بازار پرنامه دانشگاهی تدوین کند

دکتر جاسبی رییس دانشگاه آزاد اسلامی:

"شهریه رشته های وابسته به پزشکی برای هر واحد تئوری یکصد تومان، واحد عملی ۲۵۰ تومان و هر ترم هزار تومان ثابت و در رشته پزشکی نیز ترمی ۱۲ هزار تومان ثابت می باشد اما ممکن است که رقم های گفته شده اضافه گردد."

(اطلاعات ۷ شهریور)

انقلاب فرهنگی مطرح است که با تصویب آن وضعیت این گونه موسسات از دو حال خارج نخواهد بود. این موسسات یا ضوابط لازم را خواهند داشت که در نتیجه گواهی آن ها مورد تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار می گیرد و یا اینکه فاقد امکانات و تجهیزات و ضوابط مصوبه خواهند بود که در این صورت به عقیده من باید گواهی فارغ التحصیلان چنین مراکزی مورد ارزیابی قرار گیرد."

(اطلاعات ۷ شهریور)

رژیمی که هزار، هزار پیکر جوانان را در کوره های خانمانسوز جنگ می گدازد و خاکستر می کند. برنامه ریزان دانشگاهی اش نیز باید به همین سان سلامتی مردم و مصالح کشور برایشان بی ارزش باشد و امید و آرزوی ده ها هزار جوانی را که برای گریز از بیکاری و سرگردانی به استفاده از این "امکان" آموزشی روی آورده اند را اینچنین به بازی بگیرند.

شعار دست اندرکاران رژیم خمینی این است که یک دکان دیکه باز باشد، جان مردم و امید و عمر جوانان مهم نیست!

اخبار جنگ

تبادل آتش بین نیروهای جمهوری اسلامی و ارتش عراق، در هفته گذشته نیز دنبال شد. در این میان دو شهر آبادان و خرمشهر، تقریباً همه روزه زیر آتش سلاح‌های دوربرد ارتش عراق قرار داشتند. ارتش جمهوری اسلامی نیز، با چند عملیات تهاجمی و نفوذی کم دامنه، در مناطقی "پنج انگیزه" و "مربوان" و در جبهه‌های باختران و ایلام، مدعی شد که به نیروهای عراقی خسارات و تلفاتی وارد ساخت.

چند از عملیات یاد شده، سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که در روز ۱۱ شهریورماه برای بار چهارم، پایانه نفتی جزیره خارک را توسط هواپیماهای خود بمباران کرده است. در اطلاعیه ارتش عراق تصریح شده است که هواپیماهای عراقی در این حمله، ۸۰۰ کیلو بمب بر روی تاسیسات نفتی جزیره خارک پرتاب کرده‌اند. آن‌ها مدعی شده‌اند که ۸۰ درصد تاسیسات نفتی این جزیره را منهدم ساخته‌اند. در ضمن لازم به تذکر است که رژیم عراق اعلام کرده است، که تا نابودی تاسیسات نفتی جزیره خارک به بمباران این جزیره ادامه خواهد داد و از تریق بمباران‌های متوالی و مستمر به دولت ایران فرصت ترمیم آسیب‌ها و خسارات وارده را نخواهد داد. در همین راستا بود که بنابه گفته خبرگزاریها، نیروی هوایی عراق در روز شنبه ۱۶ شهریورماه، دوبار دیگر نیز تاسیسات نفتی خارک را مورد حمله هوایی قرار داد.

در مقابل خیرگزاری دولتی جمهوری اسلامی نیز در روز ۱۵ شهریورماه اعلام نمود که هواپیماهای چندین ایرانی موفق به بمباران یکی از مهم‌ترین تاسیسات نفتی عراق واقع در عقب ۷۰ کیلومتری خاک آن کشور، گشته‌اند. شامنه‌ای رئیس جمهور در نماز جمعه همین روز ضمن تأیید خسارات وارده بر جزیره خارک، خبر حمله به تاسیسات نفتی عراق را نیز تکرار کرد. وی افزود که نیروی هوایی جمهوری اسلامی در عمده امروز خود توانسته است، ۸۰ درصد این تاسیسات نفتی را منهدم کند.

توقیف یک کشتی کویتی

روز پنجشنبه ۱۴ شهریورماه، رادیوی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که یک کشتی کویتی را در آب‌های خلیج فارس، متوقف کرده و امر تیسس کالاهای این کشتی ادامه دارد. همان روز مقامات دولت کویت نیز اعلام کردند که یک کشتی متعلق به آن کشور توسط جمهوری اسلامی ره‌بده شده است. مقامات جمهوری اسلامی علت توقیف این کشتی را، حمل کالا برای عراق عنوان کرده‌اند. مقامات رژیم افزوده‌اند که این کالاهای در جهت تقویت تجهیزات رژیم عراق به آن کشور حمل می‌شده است. در ۱۴ ماه اخیر، این سومین باری است که ایران کشتی‌های کویتی را متوقف می‌سازد. در روز بعد یعنی ۱۵ شهریورماه نیز، خبرگزاری جمهوری اسلامی خبر داد که نیروی دریایی ایران، دو شناور را در آب‌های خلیج به اتهام جاسوسی برای رژیم عراق توقیف کرده‌اند.

توقیف کشتی ۲۰ هزار تنی کویتی، برتنش موجود در مناسبات دولت‌های ایران و کویت افزوده است. چند روز پیش از این واقعه، روزنامه اطلاعات، در سرمقاله خود، با لحنی شدید به دولت

کویت حمله کرده بود. این روزنامه، دولت کویت را، "دولت حقیر" دانست که روزانه سیصد هزار بشکه نفت، به منظور کمک به رژیم عراق، نفت فروخته و پول آنرا در خدمت رژیم عراق قرار می‌دهد؛ در ضمن در آن روزنامه تصریح شده بود که دولت کویت برای رژیم عراق جاسوسی کرده و اطلاعات مربوط به تاسیسات نفتی ایران، توسط کویت به عراق داده شده است. سرمقاله‌نویس روزنامه دولتی اطلاعات، اعلام داشت که رژیم جمهوری اسلامی، از این پس به حفظ روابط حسن همجواری با دولت کویت پایبند نخواهد بود.

مطالب منتشره در روزنامه اطلاعات، در دیدن نشریات دولتی نیز کمابیش انعکاس یافت. در مقابل، مقامات دولتی و چراند کویت نیز، مطالبی علیه ایران انتشار دادند. روزنامه الرای العام چاپ کویت نوشت که این کشور از تهدیدات ایران بی‌نیست و در صورت وقوع جنگی، خواهد جنگید. تشدید تشنج در مناسبات بین ایران و کویت، در اجلاس سران ۶ کشور خلیج در ریاض نیز طرح و بررسی شد. در این کنفرانس اخطار شده است که حمله به دولت کویت، حمله به تمام کشورهای عربی تلقی خواهد شد. از سوی دیگر دولت عربستان سعودی، با بهره‌گیری از اوضاع متشنج در خلیج با اشاره به رویدادهای اخیر، اعلام کرده است که در صورت به خطر افتادن صدور نفت در خلیج، خاک خود را در اختیار نیروهای نظامی آمریکا قرار خواهد داد. این امر هیچگاه، پیش از این، با این صراحت بیان نشده بود.

تأیید انتخابات هفته دولت

در هفته گذشته، پس از آنکه شورای نگهبان نتایج انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری را تأیید کرده و انتخابات را بی‌نقص خواند؛ در روز چهارشنبه، حکم ریاست جمهوری خامنه‌ای را امضا کرد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای بعد از تأیید حکم ریاست جمهوری خود، اعلام کرد که برنامه و سیاست حکومت جمهوری اسلامی در دوره بعدی، ریاست جمهوری او، در همان روال سابق و در ادامه سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته است.

با تأیید شدن حکم ریاست جمهوری خامنه‌ای، چند و جدل‌های درون حاکمیت پیرامون نخست‌وزیر و وزیر کابینه حدت یافته است. خمینی‌ای دونطق بیابی در روزهای ۱۲ و ۱۳ شهریورماه پیرامون مساله گزینش نخست‌وزیر مطالبی عنوان نمود. وی اظهار داشت کسانی که از دولت انتقاد میکنند یا در اشتباه هستند و یا قصد کارشکنی دارند. البته خمینی این بار صریحاً از دولت حمایت نکرد. او خطاب به کابینه موسوی اظهار داشت که، "اگر چنانچه همین دولت شد، همین اشخاص به کار خود ادامه دهند و اگر یک کس و جمعیت دیگری شدند، نباید برای شامساله‌ای باشد."

منتظری نیز روز ۱۴ شهریورماه، طی سخنانی گفت یکی از انتظارات مردم از آقای رییس جمهور این است که سعی کنند برای اعضا دولت آینده، اشخاص متعدد و دارای تجربه و سابقه کار، خواه از اعضای هئمتکثر همین دولت باشند، یانه به مجلس معرفی کنند.

خامنه‌ای، رییس جمهور نیز درباره نخست‌وزیر آینده و سرنواخت کابینه فعلی تنها به گفته‌های

کلی بسنده کرد و از اعلام صریح نظرات خود امتناع ورزیده است.

عملکرد دیکساله ساواک جمهوری اسلامی

ری شهری رییس ساواک جمهوری اسلامی، در یکی مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، عملکرد سرکوبگرانه رژیم را تشریح کرد. وی مدعی شد که وزارت اطلاعات در سال گذشته یکی از موفق‌ترین تشکیلات اطلاعاتی جهان بوده است.

رییس ساواک، گزارش داد که "وزارت اطلاعات" طی این مدت بیش از ۵۰۰ نفر از اعضای سازمان‌های مفرقی را دستگیر کرده است. با وجود این او اعتراف کرد که باید در انتظار گسترش فعالیت مبارزاتی نیروهای اپوزیسیون بود.

در واکنشی به فعالیت‌های پرنسود افشاگرانه و سازمان‌ترانه فدائیان خلق (اکثریت) رییس ساواک رژیم در این مصاحبه مدعی شد که گویا ضرباتی به سازمان ما وارد ساخته است. ادعای تازه ره‌شهری، تکرار همان لائتلائی است که در بهمن ماه سال گذشته مطرح ساخته بود.

انتشار روزنامه "رسالت"

روزنامه "رسالت" روز پنجشنبه رسماً آغاز به کار کرد. این روزنامه تحت نظارت و سرپرستی آذری، فی منتشر می‌شود. این شخص یکی از مرتجع‌ترین مدرسین حوزه علمیه قم و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. گفته می‌شود که احمد توکلی نیز از دست‌اندرکاران روزنامه رسالت است. گردانندگان این روزنامه که از حمایت بی‌چون و چرای تجار بزرگ بازار برخوردارند از مخالفین شناخته شده نخست‌وزیری حسین موسوی هستند.

با انتشار روزنامه ۸ صفحه‌ای رسالت، بار دیگر نشریات اربعه ارتجاع تکمیل شد.

علت مصادره کارخانه‌ها

سینار سازمان صنایع ملی ایران، مدتی است که ادامه دارد. رفسنجانی، وزیر صنایع ستین و کار، آیت‌الله جنتی و برخی از دیگر مسئولین مملکتی در این سینار شرکت جستند. مسائل مورد بحث، ارزیابی پیشرفت صنایع، نحوه مدیریت صنعتی و مسائلی از این قبیل می‌باشد. هاشمی رفسنجانی علت مصادره کارخانه‌ها را در اوایل انقلاب، در این سینار بدین گونه توضیح داد:

"ادامه حضور وابستگان طاغوت در مراکز اقتصادی عملی نبود... اگر نمی‌خواستیم این واحدها را مصادره کنیم، کارگران طغیان می‌کردند و کارخانه‌ها را به هم می‌ریختند."

انفجار بمب در تهران

بعد از ظهر دهم شهریورماه، در ساعت ۱۹/۲ دقیقه، در تهران در تقاطع خیابان وصال شیرازی و خیابان انقلاب، انفجار شدیدی روی داد. بنا به اظهارات پلیس تهران، ۷۰ کیلو مواد تخریبی چاسازی شده در یک اتومبیل، باعث این انفجار شدید بوده است. در اثر این انفجار، تعدادی از عابریین مجروح شده و ده‌ها اتومبیل خسارت دیدند. در واقع در ۹ ماه اخیر، این هشتمین انفجاری است که در خیابان‌های تهران رخ می‌دهد. بمب‌گذاری‌ها،



تعطیل کارخانه‌ها بعلت کمبود مواد اولیه

* یکی از واحدهای بزرگ کفش ملی که تولید کننده کفش‌های ایمنی کار است، بعلت کمبود مواد اولیه تعطیل شده است. همچنین تمام قسمت‌های کفش ملی به علت کمبود مواد اولیه با کاهش تولید روبرو شده اند.

* کارخانه جنرال تایر، بعلت نرسیدن به موقع مواد اولیه، از اول تیرماه به مدت نامعلومی تعطیل شده است.

* کارخانه ایران ناسیونال (ایران خودرو) بعلت کمبود قطعات یدکی پیکان و اتوبوس برای مدت نامعلومی تعطیل گردیده است. مدیریت، کارگران را موقتا با پرداخت مبلتی پول مجبور به ترک کار کرده و به آنها گفته است هرپانزده روز یکبار سری به کارخانه بزنند، ممکن است قطعات وارد شده باشند. کارگران از این وضع ناراضی هستند و آنها مقدمه‌ای برای بازخرید یا اخراج خود می‌دانند. آنها همچنین با شعارنویسی در کارخانه مخالفت خود را با تعطیلی اجباری و مرخصی طولانی

پیشین توسط پاندهای سلطنت نعلبی که برای رژیم عراق مزدوری می‌کنند، صورت گرفته بود.

عملکرد وزارت صنایع سنگین

بهزاد نبوی، وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد که از شروع فعالیت وزارت صنایع سنگین، معادل ۱۶/۷ میلیارد تومان موافقت‌های اصولی داده شده که ۲/۷ (میلیارد تومان) آن متعلق به بخش خصوصی است. وی افزود که ۵/۲ میلیارد تومان از این مبلغ متعلق به پروژه‌های بزرگ است.

اتوبوسها از وسط نصف می‌شوند!

شکست‌ناپذیری در پی طرح زنانه - مردانه کردن اتوبوسهای شرکت واحد، باعث نشده است که مسئولین امور از پیاده کردن این طرح ارتجاعی و مضحک نا امید شوند. مدیر عامل شرکت واحد در یک مصاحبه مطبوعاتی که متن آن در کیهان ۲ شهریور چاپ شده است، اعلام کرد این طرح به قوت خود باقی است و برای پیاده شدن آن تمهیدات جدیدی چیده شده است. از جمله این تمهیدات به گفته مدیر عامل شرکت واحد، نصف کردن اتوبوسها به وسیله صندلی‌های مخصوص و اختصاص نیمه جلو به مردان و نیمه عقب به زنان است. به نظر می‌رسد که قرار است صندلی ردیف وسط را به گونه‌ای تغییر دهند که به مثابه یک دیوار بلند در نیمه اتوبوس را کاملا از یک دیگر جدا سازد.

ايراز می‌دارند. در ضمن اخيرا ۲۰۰ کارگر فرار دادی، این کارخانه را نیز رسماً اخراج کرده اند.

* اخيرا اتولید کارخانه بنز خاور بدلیل کمبود قطعات و موتور، بشدت کاهش یافته است و ممکن است به سر نوشت جنرال تایر و ایران خودرو دچار گردد.

اخباری از بندر انزلی

* در اواخر سال گذشته، مسئولین محلی انزلی، شرکت تعاونی مسکن آموزش و پرورش این بندر را به بهانه آن که زمین تحویل شده به آن در مسیر اتوبان واقع است و نمی‌بایست در آن جاساختمان سازی شود، تحت فشار قرار دادند و بویژه در زمستان گذشته با ایجاد تضيیقاتی در مورد تحویل سیمان، چوب و دیگر مصالح از ادامه ساختمان سازی در زمین مربوطه جلوگیری نمودند.

این در حالی بود که پیش از این برای این شرکت تعاونی مجوز رسمی تاسیس ساختمان در زمین مذکور صادر شده بود. معلمین در مقابل فشار مقامات ایستادگی کردند و حاضر نشدند در برابر این اجحاف آشکار به آسانی عقب نشینی نمایند. بر اثر اقدامات معلمین، مسئولین ناگزیر گشتند که پرداخت مبلغ ۵۰ میلیون ریال خسارت را به این شرکت تعاونی بپذیرند.

* از مدتی پیش توسط مسئولین اداره بندر و کشتیرانی بندر انزلی به منظور استثمار هر چه بیشتر کارگران طرحی به مورد اجرا گذاشته شد که آن را طرح "کارانه" می‌نامند. این طرح در عمل چیزی جز دریافت پاداش کم در ازای انجام کار بیشتر نبود. به این ترتیب عملا بخشی از حق اضافه کاری کارگران را حذف کرده اند. کارگران در اعتراض به این طرح، در همان زمان دست به اقداماتی زدند، از جمله این اقدامات اجتماع کارگران در محل اداره بندر و کشتیرانی انزلی بود که طی آن تقاضای لغو این طرح و نیز لغو دستور ۹۲ ساعت اضافه کاری اجباری ماهانه

را نمودند. در ادامه این اعتراضات در تیرماه، رانندگان جرثقیل‌ها و کارگران بار دیگر با امضای لوماری، دستیابی به این خواسته برحقشان را بی گرفتند. اعتراضات کارگران همچنان ادامه دارد.

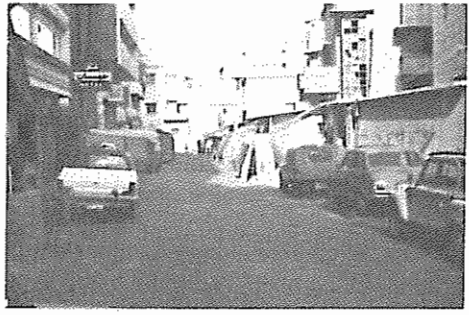
* مسئول باصطلاح پاکسازی، استان گیلان که در عین حال مسئول حسابداری دارائی بندر انزلی و یکی از سه نفر مسئولین صاحب امضادارایی بندر انزلی بود به جرم اختلاس به میزان ۱۹ میلیون ریال در دارایی این شهر، در اولین روز ماه رمضان دستگیر شد. وی در بازجویی اعتراف کرد که برخی از دیگر مقامات این بندر نیز با او همدست بوده اند. از جمله

همدان او دهگان فرماندار پیشین انزلی است. * شهردار بندر انزلی پوروزا در اواخر تیر ماه بخاطر رسوایی بیش از حد در رابطه با سوء استفاده‌ها، خرابکاری‌ها و دزدی‌های آشکار و نهان عزل گردید. بخشی از اقدامات او عبارتند از: حیف و میل پنج میلیون تومان از سرمایه شهرداری که در ازای غرامت تخریب خانه‌ها، بناچار به شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان انزلی داده شد، انهدام بولوار زیبا و نادر انزلی، استفاده از وسایل نه‌ایه عمومی شرکت واحد انزلی در جهت منافع شخصی، حیف و میل ۲۲۰ میلیون ریال پول حواله شده به فرمانداری در سال ۶۳، به منظور زنانه - مردانه کردن دریا! بهمهرا فرماندار و دارو دسته اش... به شهردار معزول ست بخشداری رضوانشهر تفویض شد تا بتواند با همان شیوه سابق، این بخش را نیز اداره کند.

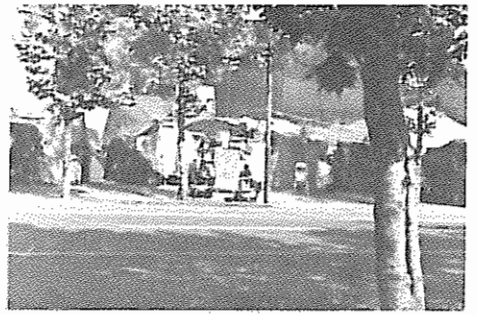
مامور با تجربه

شخصی به نام ترکمانی در زمان رژیم پیشین از فعالین حزب ایران نوین و حزب پان ایرانیست در ارومیه بود. سوابق خدمتی او در حرکات ضد مردمی ارگانهای رژیم شاه توبه مسئولین جمهوری اسلامی را جلب کرد. از اینرو پس از طی دوره‌ای برای آموزش تجارب تازه در بازجوئی و شکنجه، روانه ارومیه شد و در قسمت اطلاعات سپاه به کار شکنجه مبارزین مشغول گردید.

زاعه‌های تهران از خیانت حکام رژیم حکایت می‌کنند



است. زحمتکشان آواره شده با چادر و مقوا و حلبی در کنار پیاده‌رو در وسط شهر سرپناهی برای خود بند کرده‌اند، بی آنکه آب داشته باشند، برق داشته باشند... آسفالته داغ خیابان محل خواب و زندگی آنان و کودکانشان شده است. و از این دو محل و بویژه از چهار راه سپه که در نزدیکی محل مجلس، نخست وزیری و دیگر ارگان‌های عالی رژیم جمهوری اسلامی واقع است، همه روزه مسئولین تراز اول مملکتی می‌گذرند و سند جنایت و خیانت خود را می‌بینند و می‌روند.



عکس‌هایی که مشاهده می‌کنید مثل دیتر مطالب این صفحه توسط گزارشگران اکثریت در داخل کشور برای ما فرستاده شده است. این عکس‌ها زندگی فلاکت بار زحمتکشان را نشان می‌دهد که بدستور مقامات قضایی رژیم جمهوری اسلامی، آنان را از خانه‌هایشان بیرون رانند، تا بار دیگر این خانه‌های مصادره شده را تحویل سرمایه داران بدهند. تصویر سمت راست محلی در پیاده روی خیابان مصدق بالاتر از چهار راه سپه است. و عکس سمت چپ محلی در نزدیکی چهارراه مصدق در خیابان طالقانی

فدائیان اسیر، در معرض اعدام

انگاس اعلامیه سازمان در مطبوعات هندوستان

بقیه از صفحه اول

* نشریه "ایندین اکسپرس" در تاریخ ۲۲ اگوست ۸۵، نوشت: "کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از کلیه دولت‌ها و سازمان‌های جهان خواسته است که با وارد کردن فشار بر رژیم خمینی مانع کشتار فعالین زندانی سازمان‌شان و همچنین اعضای حزب توده ایران گردند."

* نشریه "پاتریوت" نیز در تاریخ ذکر شده، در مطلبی تحت عنوان "رژیم خمینی مصمم به اجرای اعدام‌های از قبل طراحی شده است"، نوشت: "کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لی اعلامیه‌ای که در دهلی نو انتشار یافت رژیم خمینی را بخاطر صدور غیرقانونی حکم اعدام چهار عضو سازمان و هم چنین تعداد زیادی از میهن‌پرستان محکوم نمود."

این نشریه به نقل از اعلامیه سازمان نوشت این زندانیان تحت شکنجه‌های مداوم جسمی و روانی بوده‌اند.

* روزنامه "پرتاب" چاپ دهلی‌نو، در تاریخ ۱۵ اگوست در خبری تحت عنوان "چهار ایرانی به مرگ محکوم گردیدند" در رابطه با اعلامیه سازمان نوشت: سازمان در سراسر جهان از کلیه دوستان و آزادی‌خواهانی که خواهان محکوم نمودن رژیم خمینی، جان این چهار زندانی را نجات دهند.

* روزنامه‌ها، "قومی آواز" و میلاد نیز به ترتیب در شماره‌های ۱۹، ۲۰، ۲۱ اگوست خود به چاپ فرازهایی از اعلامیه سازمان پرداخته‌اند. این دو روزنامه از جمله نوشته‌اند: جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف شوم خود سرگرم فرام آوردن جوی برای اعدام چهار نفر از زندانیان سیاسی عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

* همچنین شماره سی‌ام جولای، ۱۹۸۵ روزنامه "پرتاب" نامه چندین سازمان دانشجویی هندوستان به دبیرکل سازمان ملل متحد را به چاپ رسانیده است. دانشجویان در این نامه توجه دبیرکل سازمان ملل را به شکنجه، سرکوب و ستمی که در ایران جریان دارد جلب نموده‌اند.

در نامه مذکور آمده است رژیم خمینی محاکمه زندانیان را در دادگاه‌ها در بسته برگزار نمی‌کند و در پایان با اشاره به صدور احکام غیرقانونی علیه فدائیان خلق، توده‌ای‌ها و سایر میهن‌پرستان در بند، از دبیرکل سازمان ملل خواسته‌اند در اقدام برای نجات جان این فرزندان راستین خلق درنگ ننمایند. امضاکنندگان این اعلامیه عبارتند از:

- ۱- فدراسیون سازمان دانشجویان هندوستان
- ۲- فدراسیون سراسری جوانان هندوستان

- ۳- اتحادیه ملی دانشجویان هندوستان
- ۴- جوانان کنتره هند (س)
- ۵- فدراسیون جوانان دموکراتیک هندوستان

اعتراض احزاب و سازمانهای ترقیخواه علیه بیدادگرایی جمهوری اسلامی

بدنبال صدور حکم اعدام چهارتن از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و وعده‌ای از مسئولین حزب توده ایران و ارسال آن برای تایید به شورای عالی قضایی، موج اعتراض علیه این بیدادگری‌ها اوج می‌گیرد.

در شهر "برمن" آلمان فدرال، سازمان‌ها و احزاب بسیاری در اعتراض به حکم صادره بیانیه‌هایی را امضا نمودند. امضاکنندگان این بیانیه‌ها خواهان لغو فوری حکم اعدام فدائیان و توده‌ای‌ها شده‌اند. این احزاب و سازمان‌ها عبارتند از:

- ۱- حزب کمونیست آلمان - برمن
- ۲- اتحادیه صلح آلمان - برمن
- ۳- اتحادیه ضدفاشیست‌ها - برمن
- ۴- سازمان زنان د. ک. آ. پ. - برمن
- ۵- حزب سبزها - برمن
- ۶- اتحادیه جوانان ترک - برمن
- ۷- سازمان دموکراتیک زنان آلمان - برمن
- ۸- انجمن دانشجویان افغانی - برمن
- ۹- انجمن کارگران کرد - برمن
- ۱۰- نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین - برمن

بازتاب اعلامیه کمیته مرکزی سازمان در ارگان حزب کمونیست لوگزامبورگ

نشریه "تسایتوتک فوم لوگزامبورگ فولک" ارگان آلمانی زبان حزب کمونیست لوگزامبورگ در شماره ۲۹ اگوست خود طی مقاله‌ای می‌نویسد:

"طبق گزارش سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دستگاه امنیت دولتی جمهوری اسلامی ایران در تدارک موج جدیدی از اعدام زندانیان سیاسی است. خطر بطور مستقیم متوجه جان چهارتن از اعضای کمیته مرکزی این سازمان است که برخی از آن‌ها چهارسال پیش دستگیر شده‌اند. حکم اعدام آن‌ها برای تایید به شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی فرستاده شده است. پیش از این نیز قربانعلی مؤذنی‌پور عضو کمیته مرکزی و دبیر اول کمیته‌های مخفی ایالتی اصفهان و فارس و نیز منصور پورچم، عضو کمیته ایالتی خوزستان و مرتضی میثمی، عضو یک کمیته ناحیه‌ای تهران و دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از دستگیری توسط ارگان‌های امنیتی ایران به قتل رسیده‌اند."

این روزنامه همچنین به بازتاب گزارش‌های اخیر "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران درباره قتل اسرای توده‌ای تزیلیچی، محمدزاده و هرقانی و نشر اطلاعاتی درباره دستگاه قضایی و زندانیان سیاسی ایران پرداخته است.

قیام قامت باغ

همیشه می‌گفتم همیشه ریشه یک ایده درد لم سبزست که جان پریش باغ نوشکفته ما قر ارگاه دل بیقرار خواهد شد و نغمه‌های دلرب خیز مست شور انگیز - که عاشقانه ترین جلوه‌های هستی ماست - به استواری این ریشه‌های نرورسته ترانه باران و باغ آوازش پیام آ و رسدهای بهار خواهد شد قیام قامت این باغ را، چه دیده‌بین که در صداقت آوازه‌های خون آلود چگونه بار آورد

و از برای تیش‌های جان مشتاقان گلی به روشنی خورشید گلی به رنگ بهار آورد که جان عاشق محنت کشیده ما را زلال آئینه جوی بهار خواهد شد غمین میباش، دل بیقرار عاشق من! که دست اهریمن اگر به سینه ماسنگ فتنه می‌بارد سر حماسه یاران ما، سلامت باد که واژه واژه این باغ را بخون خواندند و بازمی‌خوانند. ببین، شکفتن این باغ را دوباره ببین نراوت دل گل‌های ماتما شایست

دوشاخه از دود رخت دوریشه از یک اصل زلاله زار به خون غرقه گشته "بده بپر" * بهار تازه تری را به هدیه آوردند که اوچ زیباییست و این حماسه، نگار! سرود و خاطره روزگار خواهد شد.

* "بده بپر" نام یکی از کمپ‌های ضد انقلابیون افغانی در پاکستان است. در ماه اردیبهشت سال جاری سربازان زندانی افغانی و شوروی، در این محل حماسه‌ای بزرگ آفریدند. آنان علیه ضد انقلابیون دست به قیام دلیرانه زدند و تپای مرگ چنگیدند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

گزارش اعتصاب کارگران کارخانه فومنات

بقیه از صفحه اول

را که سهمیه این کارخانه بوده است به نرخ دولتی به چند تن از نزدیکان خود فروخته و به این ترتیب مبلغ هنگفتی به جیب زده است.

پخش این خبر در میان کارگران نفرت کارگران را از مدیریت و از رژیم شعله ورتر ساخت آنها در روز بیستم تیر ماه دست از کار کشیده و اقدامات اعتراضی خود را آغاز کردند. در ابتدا کارگران خواستار این بودند که مدیریت برای پاسخگویی به سوالات پیرامون این امر در جمع آنان حاضر شود. علاوه بر این کارگران، بسیاری از مطالبات خود را نیز مطرح ساختند مطالباتی که پیش از این بکرات مطرح شده بود ولی هیچگاه مدیریت و مسئولین به آنها توجهی نکرده بودند. از جمله این مطالبات طبقه بندی مشاغل بود.

مدیریت حاضر به گفتگو با نماینده کارگران گردید. از اینرو آنان بلافاصله یکی از کارگران مبارز را از میان خود به عنوان نماینده برگزیدند تا به تئوری مطالبات و انجام مذاکرات را برعهده گیرد. در مذاکره میان نماینده کارگران و مدیریت، مدیر عامل کارخانه نتوانست پاسخی به اعتراضات مستند و مدلل کارگران بدهد و علاوه بر این روشن و اثبات می شود که مدیریت مبالغی را که هر ماه تحت عنوان "کمک به جیب" از حقوق کارگران کسر می کرد، خود به جیب می زد. با محاسبه کارگران مدیریت تنها از این محل در طول یک سال میلیونها ریال از دسترنج کارگران را به حساب شخصی خود واریز کرده بود. روشن بود که سرانجام این مذاکره چیست. مذاکره به بن بست رسید و درگیریها تشدید شد.

مرحله بعدی را کارگران باشکایت به مقامات دولتی در منطقه آغاز کردند. آنان در مراجعه به این مقامات با طرح و ارائه اسناد قساق و اختلاس، خواهان عزل مدیریت بودند، ولی در عمل مشاهده نمودند که هیچ یک از آن اسناد بی خدشه غیر قابل تردید برای عزل مدیر عامل کافی نیست. مقامات دولتی از او پشتیبانی می کردند. از جمله این مقامات احسان بخش نماینده خمینی در کیلان بود.

شکست کارگران در شکایت به مقامات، مدیر عامل را در اقدامات ضد کارگری، چری تر ساخت. او برای بازگرداندن آرامش دست به تهدید کارگران زد و با اسلحه کمری (که

همیشه حمل می کرد) به سوی کارگران معترض نشانه رفت. این اقدام گستاخانه با واکنش تندى از سوی کارگران مواجه گردید. آنان به دفاع از خود برخاسته و در نتیجه درگیری ستائینی به وقوع پیوست. در این درگیری مدیر عامل، مسئول مالی کارخانه و دیگر اعضای هیئت مدیره به شدت مضروب شدند.

درگیری تازه، انتظام امور این کارخانه را بکلی از هم گسست. کار تولید که از چند روز قبل مختل شده بود، تماما متوقف گردید و کارگران بطور یکپارچه اعلام اعتصاب نمودند. اعتصاب کارگران کارخانه فومنات بازتاب گسترده ای در سطح استان یافت و مقامات محلی را به شدت هراسان ساخت. آنها پیش از این رویدادها به جو اختناق که مدیریت حجتیه ای در کارخانه بر پا کرده بود، دل بسته بودند، بگونه ای که به این کارخانه "مدرسه فیضیه" نام نهاده بودند، بی خبر از نفرتی که در دل کارگران نسبت به رژیم زبانه می کشید.

با آغاز اعتصاب، نفرت ارکان های سرکوب به کارخانه ریختند و با تهدید و ایجاد رعب و وحشت سعی کردند اعتصاب را در هم بشکنند. وقتیکه تهدیدات بی ثمر ماند و کارگران حاضر نشدند کار را از سر بگیرند دست به دستگیری گسترده زدند. عده زیادی از کارگران را از همان محل کار مستقیما به زندان بردند. با این اقدام سرکوبگرانه بر خواستهای کارگران افزوده شد. دو خواست اصلی کارگران عزل مدیر عامل و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود. اینک خواست سوم آنان نیز که عبارت بود از آزادی فوری دستگیرشدگان با قاطعیت مطرح گردید.

ادامه اعتصاب کارگران ابیادی رژیم را در وحشت فرو برد. چند تن از حامیان مدیر عامل که عضو انجمن اسلامی بودند، جرات ورود به کارخانه را نداشتند. آنان حتی ناگزیر شدند منزل خود را که در نزدیکی کارخانه قرار داشت تخلیه نمایند. در چنین وضعیتی حکومت یک کام عقب نشست و کارگران زندانی را آزاد کرد. پس از آزادی زندانیان، مبارزه کارگران به شکل تحصن ادامه یافت. بدین ترتیب که در هر شیفت کار، کارگران دو شیفت دیگر، دانشا در محل کارخانه متحصن بودند.

مذاکرات آنها با مقامات استان به بن بست رسیده بود. از این رو قرار شد مذاکره از طریق نخست وزیر دنیال شود. برای بررسی شکایت کارگران در چهارمین هفته تیرماه، چهارده نماینده از طرف کارگران و هفت نماینده از طرف مدیریت و انجمن اسلامی، در نشست وزیر حاضر شدند. از سوی نخست وزیر، دو نفر با کارگران به مذاکره نشستند. این دو در ابتدا، با هیئت هفت نفره مدیریت و انجمن اسلامی مفضلا صحبت نمودند و در پایان صورتجلسه ای نیز امضا گردید.

بعد از پایان جلسه فوق، دو نفر یاد شده با نمایندگان کارگران بطور انفرادی یعنی هر بار با یک کارگر و سپس با کارگر بعدی به مذاکره نشستند. در واقع می توان گفت هیئت دو نفره نخست وزیر با خودی ها یعنی افراد انجمن اسلامی و مدیریت مشاوره نمود ولی از نمایندگان کارگران بازجویی به عمل آورد.

چهاردهمین کارگری که به مذاکره با دو نفر بازجویی نخست وزیر پرداخت، نماینده اول کارگران بود که رای ۱۲۰۰ کارگر زن و مرد را با خود داشت. آندو با وی برخورد تند و اهانت آمیزی کرده، او را متهم به اغتشاش و هدایت مبارزه کارگران علیه رژیم نمودند و گفته های افراد انجمن اسلامی و مدیریت را که در صورتجلسه نوشته شده بود، پایه اتهام قرار دادند. نماینده کارگران در مقابل دیدگان حیرت زده مأمورین نخست وزیر، صورتجلسه را پاره نمود. او مدارک غیر قابل انکاری مبنی بر اختلاس مدیریت و انجمن اسلامی ارائه نمود که نمایندگان نخست وزیر دلیلی برای رد آن نداشتند و در نتیجه پذیرفتند که برای رسیدگی به محل کارخانه بیایند. نماینده کارگران به آنها گفته بود اگر نا اولین شنبه مردامه به وعده خود عمل نکنند کارگران مجددا دست به اعتصاب خواهند زد.

دو نفر مذکور در موعد مقرر به کیلان آمده و در کارخانه حضور یافتند. اما لیسه سه روز اقامت در آنجا (تا ۲۱ تیرماه) پاسخ روشنی به کارگران ندادند. وقتی کارگران دریافتند عناصر یاد شده (که بعد معلوم شد مأمورین وزارت اطلاعات بودند) وقت گذرانی می کنند، همانروز ۲۱ تیرماه، متحدان در کارخانه متحصن شدند. اینبار زن و فرزندان گروهی از کارگران نیز در تحصن شرکت داشتند.

مقامات جهت سرکوب این اقدام، بلافاصله پاسداران کمیته را به کارخانه گسیل داشتند. چند ساعت بعد دو مینی بوس از اراذل و اوباش رشت مسلح به کلت، قمه و چاق به کارخانه ریخته و در نمازخانه آنجا جمع شدند. رئیس کمیته از کارگران خواست جهت مذاکره به اجتماع کنندگان در نمازخانه بپیوندند ولی همه کارگران از رفتن به آنجا امتناع ورزیدند و تنهایی از کارگران جهت آگاهی از موضوع به نمازخانه رفت اما به محض ورود با ضرب و شتم اوباش مواجه گردید و بسختی توانست از چنگشان بگریزد.

فردای آروز، شب هنگام، نماینده اول کارگران را در منزلش دستگیر و بی آنکه به او فرصت لباس پوشیدن بدهند. کسان کسان به زندان بردند. دو تن از دیگر کارگران مبارز هم در محل سکونتشان دستگیر شدند و از آن پس فشار متمرکز و مداومی روی کارگران اعمال کردند در کارخانه عملا حکومت نظامی برقرار کرده بودند. با ایجاد چنین وضعیتی و با بکارگیری گسترده پاسداران و اوباش قمه به دست توانستند کارگران را از ادامه اعتصاب و تحصن بازدارند. به این ترتیب آرامش "فیضیه" ای به کارخانه تحمیل شد و ظاهرا رژیم در برابر کارگران به پیروزی رسید، غافل از اینکه کارگران از این اعتصاب برای پیروزی فردا در سراسر بسیاری فرا گرفته اند.

کتاب های مالی رسیده

۵۰	رفیق احسان برای نشریه کار
۴۰	رفیق حامد (۱۰۱)
۵۰	رفیق فرامرز از کراچی (پاکستان)
۲۰۰/۰۰۰	فدائیان خلق از شیربازی (ایتالیا)
۱۵۰/۰۰۰	فدائیان خلق از شیرم (ایتالیا)
۱۰/۰۰۰	یک رفیق افغانی از ایتالیا
	یک رفیق هوادار از شهر پونا در هندوستان برای کمک
۱۴۵	به زندانیان سیاسی
۱۰۰	مجنو از هندوستان

هزینه این شماره نشریه را هواداران سازمان در شهر پونا - هند تامین کردند

نه! نه! نه!

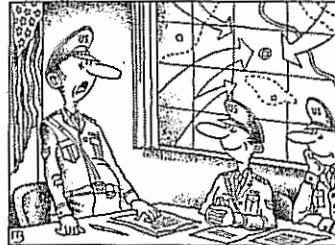
تعهد بشردوستانه!

هردم از این باغ بری میرسد

مهمین چندی پیش بود که روزنامه‌های رژیم خبر از دستگیری اعضای باند تبهکاری بنام سیندرلا را داده بودند. این باند توسط چند تن از پاسداران سازماندهی شده بود. هنوز چندان از دستگیری و محاکمه ملیح این باند نگذشته بود که روزنامه‌ها دستگیری اعضای باند دیگری را اعلام کردند. شیوه عمل این باند نیز شیوه عمل مرسوم پاسداران کمیته‌ها و سپاه بود. و اعضای آن در لباس مامورین این نهادها دست به قتل و دزدی می‌زدند. رهبر این باند "محمود هیتلر" نام داشت. یکی دیگر از اعضای باند هم "سامورائی سیاه" نامیده می‌شد.

اخبار عملیات تبهکارانه باند "محمود هیتلر" هنوز بر سر زبانها بود که روزنامه‌ها بار دیگر اعلام داشتند که باند دیگری کشف شده است. نام باند تازه "خرچنگ" بود. البته حکومتی‌ها دیگر صاحب تجربه شده بودند و این بار اعلام نکردند که چند نفر از اعضای باند "خرچنگ" پاسدار بودند.

جراید:
"شوروی، متعهد شد در بکارگیری سلاح اتمی پیشدستی نکند اما آمریکا از دادن چنین تعهدی، خوداری می‌ورزد."



ژنرال آمریکایی:

روس‌ها متعهد شده‌اند اولین کشور، نباشند که از سلاح اتمی استفاده کند. حالا که آنها این تعهد را کرده‌اند، ما هم تعهد می‌کنیم دومین کشور، نباشیم که سلاح اتمی به کار خواهد برد.

است...
این مرابیه یاد داستانی می‌اندازد که شاید زیاد به این جریان ربط نداشته باشد اما حقیقت دارد. به مدت چند سال یک وزیر دارایی در دولت فدراتیو روسیه وجود داشت که نامش ایوان ایوانوویچ بود. وی نسبتاً مسن بود و اغلب در جلسات شورای وزیران چرت می‌زد. هرگاه بیدارش می‌کردی، بدون توجه به اینکه چه چیزی می‌خواهی از او بپرسی، بی اختیار می‌گفت: "پول نیست، هیچ پول نداریم." امیدواریم که دولت آمریکاکحرف آخرش رانزده باشد.

میخائیل گارباجف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مصاحبه اخیر خود با مجله آمریکایی تایم برای توصیف عکس العمل آمریکادربرابر ابتکارات صلح شوروی از تشبیه جالبی استفاده کرده است که به شرح زیر است:

"همه کوشش‌های ما برای اینکه به گونه‌ای از این اوضاع بد در روابط شوروی - آمریکا بیرون بیاوریم، به مسابقه تسلیحاتی پایان دهیم و از تشنج‌ها بکاهیم، با موضوع مخالف دولت آمریکا روبرو می‌شود. ما همچنان یک جواب می‌شنویم: نه، نه، نه، تبلیغات است تبلیغات

وقتی ریگان کتاب می‌نویسد

حیرت زده خواننده ظاهر شود:
"یکی از دوستان خوب ما، کارول رایتر است که در چندین روزنامه ستون فال‌ها را می‌نویسد. هر روز صبح، ناشی و من‌نگاه می‌کنیم که وی زیر هر صورت فلکی برای اشخاص چه نوشته است."

"این جمله از مرکس باشد من با او موافقم: جنگ، صرف نظر از نخطات محدود ترس واقعی از مرگ، امر شدیداً کسل کننده و یکنواختی است."

"من دیوانه فیلم‌های سرخپوستی بودم. همواره به آن دوره کوتاه پس از جنگ داخلی را که لباس آبی‌های ما (مختلور سربازان است) با سرخپوستان در جنگ بودند، به عنوان دوره رشکارتک و رمانتیک می‌نگریستم. "بهترین چیز مسابقات فوتبال آمریکایی بود. البته من هم بسکتبال بازی می‌کردم، هم به دو میدانی می‌پرداختم و هم به شنا می‌رفتم. اما این همه فقط بازی بود. ولی در فوتبال، مسئله مرگ و زندگی در میان بود"

تاریخ "شامکار" هائی را که دیکتاتورها و حکام مرتجع به رشته تحریر در آورده‌اند، فراوان به یاد دارد. از آن جمله است "نبرد من" هیتلر، و در ایران خودمان نظایر "ماموریت برای ولنت" و... خمینی هم افکار پیوسیده و قرون وسطایی اش را در رساله معروف "توضیح المسائل"، و "حکومت اسلامی" و غیره روی کاغذ آورده است. از این دست لا اطلاعات یکی دیگر هم اخیراً در کشورهای غربی منتشر شده است، بنام "از کجا می‌آیم" و به قلم رونالد ریگان.

کتاب فوق، قبل از هر چیز افشاگر ماهیت نظامی است که به رجاله‌ای در این سطح از ابتدال، مجال رسیدن به بالاترین مقام‌ها را می‌دهد. و اشتگتن پست در باره این کتاب نوشته است که "کلید درک شخصیت وی" (ریگان) به شار می‌رود. خواندن چند نمونه کافی است تا "کلید" در قفل بچرخد و رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، همانگونه که هست در برابر چشمان

"نق" رای‌گیریهای پینوشه درآمد!

اعتراف صریحی دال بر افشای ماهیت ترغندهای پینوشه از یک سو، و یک آبروریزی کامل برای رسانه‌های گروهی غرب است که هم در ۱۹۷۸ و هم در ۱۹۸۰ ادعا می‌کردند: رای‌گیریهای شیلی واقعی است و نتایج آن بازتاب مشروعیت رژیم پینوشه است!

هر چند هیچ کس نمایشاهی انتخباتی رژیم‌های دیکتاتوری نظیر رژیم صحنینی را جدی نمی‌گیرد، اما روزی هم خواهد رسید که خود ترتیب دهندگان این نمایشهای کمدی برای خلاصی از محصه پرده از ماجراهای پنهان "رای‌گیری"های جمهوری اسلامی هم بردارند.

ژنرال لی، فرمانده پیشین نیروی هوایی شیلی که سالها در شورای نظامی پینوشه عضویت داشت، گفته است که "رای‌گیریها"یی که در فاصله ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ توسط نظامیان حاکم در شیلی برگزار شد، چیزی جز حقه بازی نبوده است. در سال ۱۹۷۸، هنگامی که قرار شده بود یک همه‌پرسی، "حقیقت" نادانسته رژیم را بالا برد، نتیجه رسمی (۷۵ درصد موافق رژیم) از پیش تعیین گردید. در همه‌پرسی پیرامون قانون اساسی جدید در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز نتایج قبل از پایان آن به کامپیوتر داده شده بود. اگر چه این اظهارات لی به هیچ عنوان نتکنه جدیدی را در بردارد، اما

غزلی از دیوان شمس

(مولوی)

یک لحظه و یک ساعت، دست از تونی دارم

زیرا که تویی کارم، زیرا که تویی بارم

از قند تو می‌نوشم، با پند تو می‌گویم

من صید چگر خسته، تو شیر چگر خوارم

جان من و جان تو، گویی که یکی بوده است

سوگند بدین یک جان، کز غیر تو بیزارم

هرچس سوی چش، زنجیر می‌درد

من چس کیم کاینجا، در دام گرفتارم

گرد دل من جانا، دزدیده می‌گردد

دائم که چه می‌جویی، ای دلبر عیارم

توگرد دلم گردان، من گرد درت گردان

در دست تو در گردش، سرگشته جویر گارم

خاش کنم از غیرت، زیرا زنبات تو

اگر شکر افشام، جز قند نمی‌بارم

در آب و در خاکم، در آتش و در بادم

این چار به گرد من، اما نه از این چارم

که ترکم و که هندو، که رومی که زنتی

از نقش تو است ای جان، اقرارم و انکارم

تبریز، دل و جانم با شمس حق است اینجا

هرچند به تن اکنون، تصدیق نمی‌آرم

حزب کمونیست ترکیه ۶۵ ساله شد

۶۵ سال پیش، در دهم سپتامبر ۱۹۲۰، گروه‌های کمونیستی ترکیه که در داخل و خارج از کشور فعالیت می‌کردند، متحد شده و حزب کمونیست ترکیه را تشکیل دادند. حیدر کوتلو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، در مصاحبه با روزنامه "اورهیت"، ارکان حزب سوسیالیست متحد برلن غربی، به نکاتی پیرامون تاریخ حزب و شرایط کنونی مبارزه آن اشاره کرده است. در سالگرد تاسیس حزب و به همین مناسبت به ترجمه و درج بخش‌هایی از این مصاحبه اقدام کرده ایم که در زیر می‌خوانید.

حزب ما شصت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری خود را با شعار "ترکیه دموکراتیک - تقویت حزب کمونیست ترکیه" برگزار می‌کند. روشن است که مبارزه ما آسان نیست. اما کدام حزب کمونیست است که مبارزه آن دشوار

نباشد؟ یک ویژگی مهم حزب ما آن است که حزب کمونیست ترکیه از ۶۲ سال پیش در شرایط مخفی می‌رزد و امروز تنها حزب کمونیست غیرقانونی در اروپا است.

حزب کمونیست ترکیه از بدو تاسیس خود علیه ارتجاع و برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه کرده است. ارتجاع هیچگاه از اقدامات سرکوبگرانه علیه حزب کمونیست ترکیه باز نایستاده است. در دهه ۲۰ و ۳۰ تعداد زیادی از اعضای حزب دستگیر شدند. در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۵۱ ما با موج وسیع دستگیری مواجه گردیدیم. و بالاخره در سال (۱۹۸۱)، پس از کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر، عملیات پنیسی گسترده‌ای انجام گرفت.

حزب کمونیست ترکیه در طول تاریخ مبارزات سخت و دردناک خود قربانی‌های زیادی داده است که مصطفی صوفی، بنیانگذار حزب و رفیق

دینز، عضو کمیته مرکزی، آخرین شهید برجسته ما، از آن جمله‌اند. کرسنجی، فقر، بیگدر دائمی توسط پلیس و مهاجرت سرنوشت نسل‌های متوالی کمونیست‌های ترکیه بوده است. بسیاری از اعضای حزب، از جمله نائیم حکمت، بیش از ۲۰ سال را در سياهچال‌ها گذراندند. در گذشته صدها کمونیست بدون ارتباط مستحکم با رهبری حزب میارزه کردند.

بقای حزب کمونیست ترکیه، و علاوه بر آن، تقویت حزب در شرایط دیکتاتوری فاشیستی عمدتاً به دو عامل بستنی داشته است. اولاً حزب ما مرکز از اصل "کارخانه‌ها دژهای ما هستند" دست نکشیده است. همانگونه که نمی‌توان طبقه کارگر را از میان برد، حزب کمونیست نیز از بین بردنی نیست. رشد حزب کمونیست ترکیه در پیوند تنگاتنگ با رشد طبقه کارگر ترکیه است. ثانیاً ما هیچگاه از اصول مارکسیسم - لنینیسم که مورد پذیرش جنبش جهانی کمونیستی است و درستی خود را به اثبات رسانیده است، دور نشده ایم. مانند همه احزاب

کمونیست، حزب ما هم در دوره‌های زمانی معینی دچار نواقص و اشتباهاتی بوده است. اما ما هیچگاه به اصول انترناسیونالیسم پرولترتی، پشت نکرده ایم. این عامل تعیین کننده برای موفقیت ما و برای این واقعیت است که حزب کمونیست ترکیه توانسته خود را حفظ و تقویت نماید.

یک عامل برای آن که بتوانیم امروز خوش بینانه به آینده بنگریم، آن است که حزب ما توانایی ادامه موجودیت و مبارزه خود را غیرم یورش‌های دائمی پلیس را کسب کرده است. کنگره پنجم حزب در سال ۱۹۸۲ و رویدادهای پس از آن، گواهی بر این امر است. از این رو، شعار تقویت مبارزه برای دموکراسی و تقویت حزب بدین منظور، یک هدف واقعی و قابل تحقق است. تاریخ جمهوری ترکیه که تقریباً آن به اندازه ممنوعیت حزب ماست، به روشنی نشان می‌دهد که بدون حزب کمونیست ترکیه، دموکراسی‌ای که مردم می‌خواهند، تحقق پذیر نیست. این واقعیت در آینده باز هم روشن تر خواهد شد.

موضع خرابکارانه جمهوری اسلامی در مذاکرات افغانستان - پاکستان

اخیراً دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان که به میانجی‌گری دیه گوکوردوز، نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد، در ژنو، انجام می‌گیرد، آغاز شد. وزرای خارجه دو کشور ریاست هیات‌های نمایندگی را برعهده داشتند. پیش از آغاز این دور مذاکرات، مقامات افغانستان و پاکستان در گفتگوهای با مطبوعات، وجود پیشرفت معینی در مذاکرات برای حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان را تایید کردند. طرف پاکستانی برای نخستین بار پذیرفت که در آغاز درباره قطع مداخله مسلحانه در امور داخلی افغانستان، تضمین‌های بین‌المللی برای پایان جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و مساله بازگشت آوارگان به گفتگو بنشینند.

دولت افغانستان در آستانه مذاکرات ژنو اعلام کرد: راه حل مسالمت آمیز باید از آنجا آغاز شود که جنگ اعلان نشده‌ای که کشورهای امپریالیستی، به ویژه ایالات متحده، کشورهای مرتجع منطقه و جمهوری خلق چین علیه افغانستان پیش می‌برند، پایان یابد. تنها در صورت قطع کمک صدها میلیون دلار آمریکا و متحدانش به ضدانقلاب افغانی و قطع مداخله مسلحانه از خاک پاکستان، ایران و چین و تضمین‌های بین‌المللی برای عدم از سرگیری این مداخله، حضور

واحدهای محدود نیروهای شوروی، در افغانستان موضوعیت خود را از دست نخواهد داد.

پیشرفت در مذاکرات افغانستان و پاکستان هم از آن جهت که می‌تواند گامی به سوی تامین شرایط خارجی پیشرفت انقلاب افغانستان باشد و هم بدین دلیل که دورنمای حل یکی از کانون‌های بحران در منطقه - ساسی نظیر خاورمیانه را می‌گشاید، باب طبع آمریکا نیست. برژینسکی مشاور امنیتی پیشین رئیس جمهور آمریکا لی سخنانی که اخیراً در کنگره این کشور بیان داشت، گفت:

"مقاومت در برابر شوروی، (باید) بیشتر و موثرتر گردد. بالاخره، سطح عملکرد تجهیزات و سلاح‌هایی که به مجاهدین افغانستان داده می‌شود یک قدم لازم و مهم در این راه است و شاید لازم باشد که راه‌های مستقیم‌تر بیشتری جهت حمل تجهیزات پیدا نمود." برژینسکی خواهان ادامه "نقش شجاعانه" پاکستان علیه افغانستان شد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی نیز در مورد مذاکرات افغانستان و

پاکستان عیناً موضع آمریکا را اتخاذ کرده است. وزارت خارجه رژیم ملی بیانه‌ای، مذاکرات ژنو را محکوم کرد و خواهان شرکت نمایندگان باند‌های راجز افغانستان در اینگونه گفتگوها شد. رسانه‌های گروهی مجاز نیز به موازات انجام گفتگو میان افغانستان و پاکستان کارزار ضد افغانی خود را تشدید کرده‌اند. از جمله، در کیهان ۲ شهریورماه شرح سخنان برژینسکی در کنگره آمریکا نزدیک به یک صفحه کامل را به خود اختصاص داده است. در همین شماره، مصاحبه‌ای از برهان‌الدین ربانی رهبر باند ضدانقلابی "جمعیت اسلامی افغانستان" بطور کامل درج شده است. این نکته قابل ذکر است که گروه ربانی، از جمله دستجاتی است که هیچگونه پرده‌پوشی در مورد دریافت مستقیم کمک از آمریکا را لازم نمی‌داند و از جمله در همین مصاحبه "کیهان" نیز خود ربانی بدان اشاره کرده است. رژیم خمینی که تاکنون ترجیح می‌داد گروه‌های کوچک ضدانقلابیون نظیر "سازمان نصر" و غیره را مطرح کند تا برای حفظ

ظاهر هم که شده از باند‌های بزرگ و رسوایده آمریکایی حمایت رسی نکرده باشد، اینک ظاهر سازی را کنار گذاشته و امکانات تبلیغی خود را در اختیار ربانی عامل سیا هم قرار می‌دهد. این امر تصادفی نیست.

جمهوری اسلامی در کنار آمریکا نهایت تلاش خود را به کار گرفته تا مذاکرات افغانستان و پاکستان به نتیجه نرسد. طرح خواسته مسخره شرکت جنایتکارانی مانند ربانی در روزنامه‌های حکومتی ایران هم در این چارچوب انجام گرفته است. جمهوری اسلامی از زبان رئیس "جمعیت اسلامی" مستقر در پاکستان فریاد می‌کشد که "مذاکرات ژنو بدون حضور نمایندگان مردم افغانستان اعتبار ندارد" و تلاش می‌ورزد تا در جهت عقیم ماندن این مذاکرات بر پاکستان اعمال فشار نماید. بدین ترتیب، رژیم فقها در این مورد از پاکستان ضیا الحق هم که تحت فشار بین‌المللی و داخلی به این مذاکرات تن داده، موضع ارتجاعی‌تر و آمریکایی‌تری اتخاذ کرده است. اما نتیجه مذاکرات افغانستان و پاکستان هرچه باشد، انقلاب افغانستان راه خود را می‌ورد و همتاگونه که ۷ سال جنگ اعلان شده نتوانست این انقلاب را به زانو درآورد، در آینده نیز نه آمریکا و متحدانش و نه خمینی مرتجع از هیچ توطئه‌ای علیه افغانستان انقلابی لطفی نخواهند بست.

بقیه از صفحه اول

میخائیل گرباچف در مصاحبه با تایم:

اوضاع کنونی جهان بسیار پیچیده و متشنج و حتی می توان گفت انفجاری است

به تحولات مثبت پدید آمده است. اما امروز، با کمال تأسف نمی توانم چنین پاسخی بدهم". دبیرکل حزب کمونیست شوروی با اشاره به این امر که علیرغم آغاز مذاکرات خلیج سلح ژنو و توافق پیرامون ملاقات سران دو کشور در ماه نوامبر، روابط اتحاد شوروی و ایالات متحده همچنان متشنج و مسابقه تسلیحاتی در حال گسترش است، افزود برخی مقامات دولت آمریکا می کوشند ابتکارات اتحاد شوروی برای پیشرفت در امر مذاکرات خلیج سلح را "تبلیغات صرف" معرفی کنند. گرباچف اظهار داشت: "اگر به همه آنچه ما انجام می دهیم به مقایسه تبلیغات صرف می نگرند، چرا بر لایق اصل چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان" بدون پاسخ نمی دهند؟ ما انفجارهای هسته ای، راکت های ترده ایم. شما آمریکایی ها می توانید از همین طریق "انتقام" بگیرید. شما می توانید در برابر ما یک "عمل تبلیغاتی" دیگر انجام داده و مثلاً تولید یکی از موشک های استراتژیک جدید خود را متوقف سازید. ما هم با همین شیوه "تبلیغات" جواب خواهیم داد، و همین طور جریان ادامه می یابد. آیا کسی از مسابقه در اینگونه "تبلیغات" ضرر می بیند؟ رهبر اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت: "دولت آمریکا راه دیگری در پیش گرفته است و در پاسخ به موراتورویوم ما، با انتخاب یک انفجار هسته ای انجام داده و گویی خواسته علیرغم همگان کاری انجام دهد. در پاسخ به پیشنهادهای ما درباره صلح در فضا، دولت آمریکا تصمیم گرفت دست به نخستین آزمایش یک سلاح ضد ماهواره ای بزند".

میخائیل گرباچف گفت به نظر می رسد در واشنگتن نوعی کمبود احساس مسئولیت برای سرنوشته جهان وجود دارد. وی افزود شوروی و آمریکا بایباید با هم به بقای خود ادامه دهند و با هم نابود شوند و از این رو، باید لرز فکرها از چنگت به صلح تغییر مسیر دهند.

درباره دیدار آتی پاریمان

پرسش بعدی درباره ملاقات آتی رهبران شوروی و آمریکا در ژنو بود که رهبر حزب کمونیست اتحاد

نقض قرارداد منج سیستم های ضد موشک، منعقد در سال ۱۹۷۲ است. رهبر حزب کمونیست شوروی با تاکید بر ضرورت حصول به توافقی برای جلوگیری از آغاز مسابقه تسلیحاتی در فضا، خاطر نشان ساخت. "بدون چنین توافقی، نیل به توافق درباره محدود کردن و کاهش سلاح های هسته ای نیز امکان پذیر نخواهند بود... اگر موضع کنونی ایالات متحده در رابطه با سلاح های فضایی حرف آخر آن باشد، مذاکرات ژنو کل موضوعیت خود را از دست خواهد داد".

فعالیت

پیرای بهبود اقتصاد شوروی میخائیل گرباچف سپس در پاسخ به پرسشی پیرامون اقتصاد شوروی گفت مردم شوروی موفق شده اند غیر ممکن را ممکن ساخته و در طول مدت کوتاهی کشور خود را به یک



قدرت اصلی جهانی مبدل سازند، امری که توان و ظرفیت های عظیم سوسیالیسم را تایید نمود. رهبر شوروی درباره مشکلات و کمبودهای اقتصاد شوروی گفت: "ما هنوز شیوه مدیریت مناسب برای یک اقتصاد مدرن را نیاموخته ایم... ما سرگرم برنامه ریزی برای استفاده بهتر از سرمایه گذاریها هستیم". وی افزود: "برای بهبود شیوه کار اقتصاد ملی، لازم است تمرکز در بخش های استراتژیک اقتصاد بیشتر شود و بخشها، مناطق و اجزا مختلف اقتصاد مسئولیت بیشتری در قبال ضروریات رشد اقتصادی عهده دار گردند. در عین حال، ما می کوشیم اصول دموکراتیک در مدیریت را افزایش دهیم، اختیارات واحدهای تولیدی، مجتمع ها، کلکتیوها و مزارع دولتی را بیشتر کنیم، خودمختاری محلی در اقتصاد را گسترش و ابتکارات و روحیه جمعی را مورد تشویق قرار دهیم." رهبر شوروی سپس به برنامه هایی در زمینه افزایش انضباط و گسترش عدالت اجتماعی در سطح کل جامعه اشاره نمود و خاطر نشان ساخت مهمترین هدف در تعول بخشیدن به اقتصاد شوروی، بهبود زندگی مردم است. یعنوا

است. برداشتی که طبق آن اتحاد شوروی باید به یک سلسله عقب نشینی در امر تسلیحات، مسائل منطقه ای و حتی امور داخلی خود تن دهد. گرباچف اظهار داشت: "اگر این همه جدی باشد، آنگاه بطور قطع باید گفت واشنگتن تدارک آن چیزی را نمی بیند که ما بر سر آن توافق کردیم. ملاقات سران، برای انجام مذاکرات در نظر گرفته شده، مذاکرات بر مبنای برابری و نه برای امضای سند تسلیم یک طرف. به ویژه که ما نه در چنگ با آمریکا شکست خورده ایم و نه چیزی به آن بدهکاریم".

خطر "جنگ ستارگان"

فرستادگان "تایم" نظر رهبر شوروی را درباره پروژه "جنگ ستارگان" ریگان پرسیدند. وی ضمن اشاره به اینکه تصور مصون ماندن از آسیب سلاح های اتمی به کمک "ابتکار دفاعی استراتژیک" به گواه دانشمندان، تصویری بوج است، این پروژه را به سبب آنکه مسابقه تسلیحاتی رله عرصه ای نوین گسترش می دهد، بسیار خطرناک خواند. گرباچف افزود تحقق برنامه "ابتکار دفاعی استراتژیک" دولت آمریکا

شوروی، گرباچف از افزایش حقوق اسال در حریفه های مهندسی و فنی و بهبود وضع زندگی بازنشستگان از طریق فراهم آوردن امکان باغبانی و زراعت و فروش محصول آن نام برد.

سپس مجله تایم سوالی درباره اینکه اتحاد شوروی قصد دارد از چه طریق به تکنولوژی سطح بالا دست یابد، مطرح ساخت. گرباچف گفت: "آنهاهی که ادعا می کنند اتحاد شوروی فقط تشنه تکنولوژی آمریکایی است، فراموش کرده اند با چه کسی طرف هستند و اتحاد شوروی امروز در چه موقعیتی قرار دارد. اتحاد شوروی پس از آنکه با انقلاب به استقلال تکنولوژیک دست یافت، به یک قدرت بزرگ علمی و فنی تبدیل شد. این امر به ما امکان داد به فضا سفینه هایی فرستاده و تحقیقات فضایی وسیعی انجام دهیم، به پتانسیل قابل اعتماد دفاعی دست یابیم و نیروهای مولده کشور را با موفقیت رشد دهیم". رهبر شوروی افزود بیش از آنکه هدف، "انتقال تکنولوژی" از آمریکا به اتحاد شوروی باشد، انتقال هر چه سریعتر ابتکارات از علوم به صنعت در خود شوروی مطرح است. وی گفت: "به شماطمینان می دهم ما دانش درجه یک خود را داریم و ایالات متحده به هیچ وجه از انحصار در زمینه دستاوردهای علمی و فنی برخوردار نیست".

میخائیل گرباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در توضیح اینکه چرا رهبری شوروی تصمیم به موافقت با کثونی بسیار پیچیده و متشنج و حتی می توان گفت انفجاری است. "گرباچف ضمن بر شردن شواهدی بر این پیچیدگی و خطرناک بودن اوضاع، افزود با توجه به چنین اوضاعی، لازم است رهبری شوروی دیدگاه خود را در باره مسائل جاری جهان امروز تشریح نماید.

در بخش دیگری او مصاحبه، مسئولین مجله تایم از رهبر شوروی پرسیدند از رفتن به میان مردم و تماس نزدیک با آنها چه هدفی را دنبال می کند؟ گرباچف پاسخ داد: "این تنها شیوه شخصی من نیست. این چیزی است که همه ما از نین یاد گرفته ایم... او در موارد گوناگون گفته است که برای شناخت زندگی، باید مانند توده ها زندگی کرد، باید در میان آنها زیست، از آنها آموخت، نبض آنها را حین کار در دست داشت و لرز فکر و روحیانشان را در سیاست منعکس کرد".

۶۰ هزار کارگر معدن

در آفریقای جنوبی اعتصاب کردند

هفته گذشته ۶۰ هزار کارگر سیاهپوست معدن ایالت "ترانسوال" آفریقای جنوبی برای دستیابی به دستمزد بیشتر و شرایط کار بهتر دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب به دعوت سندیکای کارگران سیاهپوست بنام "اتحادیه ملی معدنچیان" انجام گرفت و هفت معدن را شامل گردید. از همان آغاز اعتصاب، پلیس و مأمورین مسلح "حفاظت" معدن علیه کردهماییهای اعتصابیون با گاز اشک آور و باطوم وارد عمل شدند. دهها کارگر مجروح و صدماتن دستگیر گردیدند.

اعتصاب که در روز یکشنبه با ۶۰ هزار شرکت کننده آغاز شد، علیرغم تهدیدات و اقدامات سرکوبگرانه گسترده رژیم آپارتاید، در روز دوشنبه و سهشنبه نیز ادامه یافت. این اعتصاب در معدن مس و طلا، ضربه‌ای به حساس‌ترین نقطه اقتصاد رژیم نژادپرست بود و از همین رو، واکنش شدید این رژیم را برانگیخت. در بسیاری از معدن، کارگران را به زور اسلحه به سرکار بردند. لازم به یادآوری است که اقتصاد آفریقای جنوبی با بحران شدیدی دست به گریبان است. هفته گذشته بورس ژوهانسبورگ به مدت چند روز تعلیل شد و دولت پروریا بازپرداخت وام‌های خارجی این کشور را تا پایان سال جاری، به تعویق انداخت. چهارشنبه هفته گذشته، اتحادیه معدنچیان آفریقای جنوبی اعتصاب را قطع کرد تا بتواند دعوی حقوقی با شرکت‌های صاحب معدن، بر سر اقدامات تضحیتی علیه شرکت کنندگان در اعتصاب را پیش برد. این شرکت‌ها اعلام کرده‌اند هزاران تن از اعتصابیون اخراج خواهند شد. همچنین این اتحادیه کارگری می‌کوشد از تخلیه اجباری منازل کارگرانی که اخراج شده‌اند جلوگیری کند. تعداد این کارگران برابر ۱۲۸۰۰ نفر است.

وینی ماندلا همسر نلسون ماندلا رهبر زندانی کنگره ملی آفریقا در مصاحبه‌ای با تلویزیون بی‌بی‌سی خواهان برقراری فوری تحریم اقتصادی علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی گردید. وی گفت این رژیم به طرز بی‌سابقه‌ای علیه مردم سیاهپوست آفریقای جنوبی به اعمال قهر متوسل شده است.

آمریکای علیه افغانستان فرستنده

رادییوی جدیدی به راه می‌اندازد

دولت ریگان جنگ اعلان‌شده خود را علیه افغانستان با تشدید کارزار ایدئولوژیک علیه این کشور همراه می‌سازد. ریگان اخیراً دستورالعملی برای وزارت خارجه، "سازمان اطلاعات ایالات متحده" (که مرکز هماهنگی لجن‌پراکنی‌های ضد کمونیستی است) و سایر ادارات فدرال آمریکا امضا کرده است که به موجب آن یک ایستگاه رادیویی جدید به نام "راديو افغانستان آزاد" گشایش خواهد یافت. اداره کننده رسمی این رادیو، "شورای فرستنده‌های آمریکا" خواهد بود و در عمل برنامه‌های آن توسط "سیا" تنظیم خواهد شد.

دیدار ژرژ مارش از مسکو

حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست فرانسه خواهان رعایت اصول همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای، دارای نظام‌های اجتماعی متفاوت و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی شدند. این امر در بیانیه مشترکی که پس از ملاقات میخائیل گارباچف و ژرژ مارش رهبران دو حزب به امضا رسید، مورد تأکید قرار گرفت. در این بیانیه آمده است دو حزب خواستار ممنوعیت هرگونه نظامی کردن کیهان، قطع فوری استقرار موشک‌های در غرب و شرق، انجام مذاکرات سازنده برای کاهش تسلیحات تا پایین‌ترین سطح، موفقیت مذاکرات جاری و همه ابتکاراتی که صرف نظر از ارائه کننده آن - به سود روند تنش زدایی باشند، و حل موارد اختلاف موجود بر مبنای مذاکره هستند.

میخائیل گارباچف و ژرژ مارش اظهار اطمینان نمودند که سطح کنونی روابط دو حزب عاملی در جهت بسط همکاری به سود منافع مثل شوروی و فرانسه، و بسود مبارزه برای صلح، دموکراسی، آزادی و سوسیالیسم است.

کنفرانس غیر متعهدان را آنگولا

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد در لوئیدا پایتخت آنگولا آغاز به کار کرد. در مرکز توجه این گروه‌های، لزوم گسترش همبستگی با مبارزات مردم آفریقای جنوبی قرار دارد. دبیرکل سازمان وحدت آفریقا در لوئیدا اعلام داشت ضرورت تحریم رژیم آپارتاید هر روز بیشتر احساس می‌شود. وی افزود مبارزه با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی اینک از مرزهای آفریقا فراتر رفته و سراسر جهان را دربر گرفته است.

تشکیل شورای نظامی جدید در نیجریه

به دنبال سرنگونی ژنرال محمد بوهاری، رئیس جمهور پیشین نیجریه طی یک کودتای بدون خونریزی، شورای نظامی جدیدی متشکل از ۲۸ عضو نظام امور این کشور را به دست گرفت. ریاست این شورا با سرنیتیب ابراهیم بابانژیدا است که در رژیم بوهاری عهد دار ریاست ستاد ارتش بود.

نیجریه از لحاظ جمعیت بزرگترین کشور آفریقا است. منابع نفت این کشور ۹۰ میلیونی، آن را همچنین در زمره ثروتمندترین کشورهای قاره سیاه نیز قرار می‌دهد. اما این ثروت، نتوانسته است فقر و مشکلات اجتماعی را در نیجریه بطرز چشمگیری، کاهش دهد. نیجریه با دشواریهای اقتصادی زیادی، روبرو است و کاهش درآمد ارزی آن به دلیل پایین آمدن بهای نفت و تقاضا برای آن در بازار جهانی نیز بر این مشکلات افزوده و باز پرداخت وام‌های خارجی این کشور را با مانع روبرو ساخته است.

ژنرال بابانژیدا رئیس کشور جدید نیجریه از سال‌های پیش در سیاست این کشور نقش فعالی ایفا نموده است. وی در کودتای ۱۹۷۵ که به سرنگونی رژیم ژنرال یاکوبو گونو انجامید شرکت داشت. کودتای سال ۱۹۸۲ نیز که رژیم پرزیدنت شاکاری را ساقط ساخت، با دخالت بابانژیدا انجام پذیرفت. کودتای اخیر، ششمین کودتای پس از استقلال نیجریه،

مستعمره سابق بریتانیا، در سال ۱۹۶۰ است. سازمان‌های کودتای تازه در آموزشگاههای افسری آمریکا و انگلیس تحصیل کرده است.

از نخستین اقدامات رژیم جدید، آزادی ۲۵ زندانی سیاسی و تصویب قانونی در مورد ممنوعیت انتقاد از دولت بوده است. دولت جدید همچنین اعلام نمود مذاکرات به بن‌بست رسیده با صندوق بین‌المللی پول بر سر بازپرداخت قروض نیجریه که بین ۲۲ تا ۲۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، از سر گرفته خواهد شد. (درآمد نفتی سال ۱۹۸۴ این کشور ۱۲/۴ میلیارد دلار بوده است که این رقم برابر ۹۵ درصد کل درآمد آن از صادرات است.) مذاکرات رژیم بوهاری، با صندوق بین‌المللی پول زمانی به بن‌بست رسید که بوهاری از پذیرش پایین آوردن ارزش واحد پول نیجریه، که شش صد و پنجاه و پنج درصد برای پرداخت یک وام ۲/۵ تا ۲/۵ میلیارد دلاری بود، خودداری ورزید. ناظران سیاسی وقوع کودتای تازه را با این امر بی‌ارتباط نمی‌دانند.

جنگ داخلی لبنان از سر گرفته شد

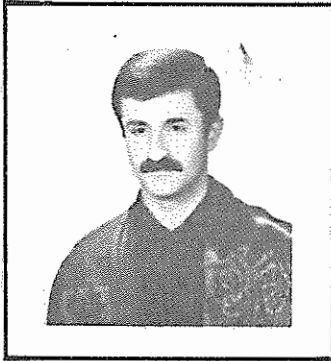
اندکی پس از انعقاد قرارداد آتش بس میان طرفین در کبیریهای خونین اخیر لبنان، که با میانجیگری سوریه تحقق پذیرفت، بار دیگر در هفته گذشته زد و خورد های مسلحانه در بیروت - این بار میان فلسطینی‌ها و شبه نظامیان امل - آغاز شد. تا لحظه تنظیم این خبر، گزارش دقیقی از میزان تلفات و خسارت نبرد اخیر بین فلسطینی‌ها و "امل" به دست نیامده است.

در هفته‌های گذشته بر خورد های مسلحانه میان طرفین جنگ داخلی لبنان، که در چند سال اخیر از لبنان شدت و ابعاد سابقه نداشته است، ۳۲۱ کشته و بیش از هزار زخمی به جای گذاشت. این زد و خورد ها، که در آن از همه گونه سلاح‌های سنگین استفاده شد، زندگی را در بخش‌های وسیعی از لبنان فلج کرده بود. در طرفین نبردهای بیشین از سوئی فلسطینی‌ها و نیروهای ملی لبنان و از سوی دیگر نیروهای راستگرای مسیحی جای داشتند.

گسترش یک کارخانه بزرگ در کابل

در کابل کارهای ساختمانی مربوط به گسترش و مدرنیزه کردن مجتمع صنعتی جنگلک که بزرگترین مجتمع از این نوع در افغانستان است، آغاز شد. بخش جدیدی که به این کارخانه افزوده می‌شود، بشماره برای تصویر موتورهای و سایر نقلیه سنگین است.

مجتمع جنگلک اینک ۲۵مین سالگرد تاسیس خود را برگزار می‌کند. این کارخانه که با کمک شوروی ساخته شده است، در اقتصاد افغانستان نقش مهمی ایفا می‌نماید طی پنج سال گذشته، ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه توانسته‌اند تولید را ۲۲۱ درصد افزایش دهند. تجهیزات و تاسیسات تولید شده در مجتمع جنگلک در ساختمان جاده کوهستانی سالنگ، کارخانه کود شیمیایی و نیروگاه مزار شریف، پلی‌تکنیک کابل و چندین پروژه دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به غیر از ماشینهای ساختمانی، کمباین و سایر ماشین آلات کشاورزی و نیز یمپهای دیزل از دیگر تولیدات این کارخانه است.



پی‌می‌گرفت. نظم، برکاری، فداکاری و پایبندی بی‌خنده به اصول ایدئولوژیک، از خصوصیات قابل‌تاکید این رفیق بود. تاسف ناشی از فقدان قریش بعنوان یک کمونیست فعال، صیسی و کوشا و یاد او دیرپا و ماندنی است. ❀

قریش از میان ما رفت

در روز یکشنبه ۲۷ مرداد ماه سازمان ما یکی از اعضای ارزنده و فداکار خود را از دست داد. رفیق قریش چارانی بطور ناگهانی بر اثر بیماری درگذشت. فقدان رفیق قریش تاسف و سوگواری عمیقی را برپژه در میان کسانی که وی را می‌شناختند و با خصوصیاتش آشنایی داشتند برانگیخت.

رفیق قریش چارانی متولد سال ۱۳۳۵ در طالش بود. به‌تأم وقوع این حادثه دردناک وی سال آخر پیشگی را در دانشگاه چابا در استانبول می‌گذراند. قریش چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور با جدیت و عشق به مردم مبارزات خویش را

"ایل‌گویچی"

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن منتشرشد

سیاست‌های رژیم خمینی در مهندستی با بزرگ‌مالکان و تلاش برای بازگرداندن آنان به زمین‌های مصادره‌ای دهقانان، ضدیت با فرهنگ و آداب و رسوم خلق ترکمن، دستگیری و کشتار فرزندان انقلابی -خلق و... می‌پردازد و در مقابل آن مبارزه کارگران و زحمتکشان، روشنفکران، زنان و جوانان ترکمن را بازگرمی‌کند و می‌نویسد:

"خلق ترکمن در مبارزه علیه اختناق و استبداد و برای تحقق خواست‌های به حق‌اش تنها نیست، اعتراض خلق‌های سراسر کشور روز به روز علیه اقدامات ضددموکراتیک و ارتجاعی حکام جمهوری اسلامی افزایش می‌یابد. در چنین موقعیت -حساسی "ایل‌گویچی" مجدداً علیرغم همه دشواری‌ها انتشار می‌یابد و وظایف انقلابی خویش را پی‌می‌گیرد. ایل‌گویچی برای انجام این مسئولیت مهم به همکاری همه نیروها و عناصر آزادپخواه و مبارزان و روشنفکران ترکمن متکی است. ایل‌گویچی از همه مردم ترکمن صحرا و روشنفکران ترکمن می‌خواهد که به هر تریقی که می‌توانند این بلندگوی دفاع از فرهنگ و سنن ترکمنی، این آینه انعکاس زندگی و خواست خلق ترکمن را یاری دهند." ❀

نشریه "ایل‌گویچی" (قدرت خلق) که دوره اول انتشار آن بر اثر اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ متوقف شده بود، دور دوم انتشار خود را از بهار سال جاری از سر گرفته است. در سخن‌آغازین شماره اول نشریه در مورد وظایف "ایل‌گویچی" و ضرورت انتشار آن آمده است:

"ایل‌گویچی" ... بیان گذشته در جهت رشد آگاهی‌های مردم ترکمن صحرا، اشاعه و اعتلا فرهنگ ملی خلق ترکمن و انعکاس مبارزات مردم ترکمن صحرا تلاش می‌نماید. مقاله مزبور سپس به تشریح ظلم و ستم‌های رواداشته شده بر خلق ترکمن در دوران حکومت ننگین خاندان پهلوی می‌پردازد و می‌نویسد: "در دوران حکومت خاندان پهلوی خلق ترکمن تحت ستم شدید طبقاتی و ملی قرار داشت و شرکت مردم ترکمن صحرا در انقلاب بهمین از همین جا نشأت می‌گرفت.

پس از انقلاب، جمهوری اسلامی نیز با خواست‌های خلق ترکمن به مقابله پرداخته و اقدام به سرکوب جنبش دهقانان ترکمن صحرا و تمایلات ملی خلق ترکمن نمود." نشریه "ایل‌گویچی" در مقاله شماره اول خود سپس به تشریح

سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی، لانه جاسوسی

گونه کشورها فعالند، انجام خواهند داد.

بمن‌نامه ارسالی سفارت جمهوری اسلامی به موسسات آموزشی آلمان فدرال چنین است:

...

خانم‌ها و آقایان محترم!

مسئولین دولتی ایران به موجب نیازهای آماری (۱) خیلی خوشحال خواهند شد که بدانند چه تعداد از ایرانیان، در چه رشته‌هایی در مدارس عالی آلمان تحصیل می‌کنند. برای اینکه هرگونه تکرانی را از جهت حقوقی در مورد دادن اطلاعات، بر طرف کنیم، تاکید می‌کنیم که نه نام و آدرس و یا یک چنین اطلاعاتی بلکه تعداد ایرانیانی که مشغول به تحصیل و نیز رشته‌هایی که آنان تحصیل می‌کنند، مورد نظر ماست. از شما ممنون خواهیم بود اگر این اطلاعات را در اختیار ما بگذارید."

باسلام‌های دوستانه

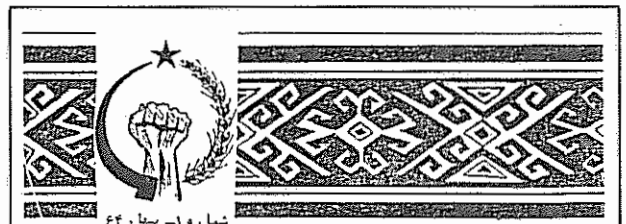
س. م. تقوی، اهرامی

امضا:

نماینده‌گی‌های سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور، پیش از آنکه بمثابة یک واحد دیپلماتیک عمل نمایند بعنوان یک واحد اطلاعاتی و تجسسی عمل می‌نمایند. از جمله وظایف اصلی این واحدها پیگیری وضعیت سازمان‌های سیاسی مترقی ایرانی و مهاجرین سیاسی و دیگر ایرانیان مبارز است.

به عنوان نمونه، نقش سفارتخانه‌های رژیم را در کنترل دانشجویانی می‌توان ذکر کرد. آن‌ها برای شناخت و تحت فشار قرار دادن دانشجویان مبارز از هیچ تشبیهی کوتاهی نمی‌کنند. بعنوان مثال اخیراً از سوی سفارت جمهوری اسلامی در بن (آلمان فدرال) نامه‌ای برای موسسات آموزش عالی این کشور فرستاده شده است. در این نامه مقامات سفارتی از مسئولین این موسسات خواستار همکاری اطلاعاتی شدند. از آنجا که مسئولین سفارت نمی‌توانستند واکنش نیروهای مترقی این کشور را نادیده بگیرند، کوشیدند خواسته خود را بنحو ظریفی مطرح سازند و سعی کردند "هرگونه تکرانی را از جهت حقوقی در مورد دادن اطلاعات" بر طرف سازند.

اما علیرغم این تاکیدات، پیداست که این اقدام به منظور ردیابی دانشجویان مبارز و مهاجرین سیاسی صورت گرفته است. در صورت همکاری مسئولین دانشگاه‌ها با سفارتخانه‌ها، بقیه امور شناسایی را باند‌های "حزب‌اللهی" که آشکار و پنهان و تحت عناوین گوناگون در این



شماره ۱ - بهار ۶۴

ایل‌گویچی

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

AKSARIYAT
NO. 73
MONDAY SEP 9, 85
Address: **RUZBEH**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY